



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی‌های رسمی و قانونی

شماره ۱۷۹۳

شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۳۰

سال هفتم

شماره مسلسل ۱۳۲

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۳۲

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه بیست و دوم فروردینماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان: آشتیانی زاده - حاذقی - دولت آبادی - کشاورز صدر - جمال امامی

۳ - بیانات آقای فقیه زاده طبق ماده ۱۶۷ آیین نامه

۴ - بیانات آقای دکتر مصدق طبق ماده ۹۰ آیین نامه

۵ - طرح برنامه دولت آقای علاء نخست وزیر

۶ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت ده و پانزده دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

### (۱) تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه گذشته قرائت

می شود. (شرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه: آقایان: اورنگ - اسکندری

عامری - پالیزی - ظفری - دکتر علوی - مرتضی حکمت

غائبین بی اجازه: آقایان: حسین خاکیباز - معبودی

دکتر مصباح زاده - قبادیان - موسوی - منصف

موفز - قهرمان - خسرو قشقانی - ابریشم کار

صدرزاده - کنجی - ملک مدنی - دکتر معظمی

گرگانی - ناظر زاده - تولیت - صفائی شهاب

خسروانی - دکتر سید امامی - حمیدیه - قرشی

عساکر تربتی - سالار بهزادی - محسن طاهری

ابوالحسن رضوی - دکتر طاهری - هراتی - پیراسته

امیر انشاری - رستم گیو - طباطبائی - مبین زاده

حسین مکی - سلطانی - ناصر صدری

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: حسن اکبریک

ساعت: نیم و تاش ۴۵ دقیقه

رئیس - آقای حاذقی

حاذقی - عرض می کنم که در جلسه گذشته

مقام ریاست ساعت ده تذکر فرمودند زنک جلسه علنی

زده شد و مجلس تشکیل شد ولی قبل از انقضای سه

ساعت حداقل مدت مقررده جلسه مجلس ساعت چهل

دقیقه بعد از ظهر از اکثریت افتاد و تعطیل شد استعما

می کنم که مقام ریاست تذکر فرمایند که اسامی غائبین

را در صورت جلسه بنویسند و موافقت بشود که حداقل

ساعت مقرر در نظامنامه مجلس کار خودش را بکنند

رئیس - این مربوط بصورت مجلس نبود آقای

کجه نسبت بصورت مجلس نظری دارید؟

کجه - عرض کنم این جا بنده در عرضی

که کردم خطاب بجناب آقای نخست وزیر عرض کرده

بودم شما یوسف دریده نیستید اینجا هستید نوشته

شده و اشتباه است و یک کلمه (نشود) هم نوشته شده

است (شود) و در قسمت نرسیدن سه به باهالی شهریار عرض

کردم کلمه شهریار باید اضافه شود خواستم استعما کنم که اصلاح شود

رئیس - بداره نند نویسی مراجعه کنید اصلاح می

شود آقای شوشتری نسبت بصورت مجلس است فرمائید

شوشتری - بسم الله الرحمن الرحیم مکرر بنده

از مقام ریاست و آقایان نمایندگان در باره صورت

مجلس استعما کردم و تذکر دادم که جراید موظف

نیستند نطق نمایندگان را موبو حرف بعرف بنویسند

و شاید هم نشود حق هم با آنها است ولی از نظر اصول

مملکت طرز تنظیم صورت جلسه و اینکه در جلسه بعد

خواندن و تصویب شدن وعده از نمایندگان محترم آن

را تصحیح کنند بعقیده من این برای مملکت علاوه بر

اینکه مفید واقع نشده است بضرر مملکت دارد تمام

میشود چرا این روزنامه رسمی که ماروی همین ملاک

آنرا روزنامه رسمی می دانم این اعلانات مزایده

مناقصه که در آن منتشر می شود جن هم نمی خوانند

مگر آن همان ارواحی که منتفع از این امر می شوند این

حتماً باید از این وضعیت خارج بشود برود بدست

جراید کثیرالانتشار و یا آن جرایدی که آقایان هر طوری

صلاح میدانند

رئیس - آقای شوشتری این مربوط بصورت جلسه نیست

شوشتری - اجازه فرمائید این صورت

مجلس الان تقص عبارات دارد که بنده تصحیح میکنم

اما بنده در نطقی که کردم رمز تشنج را عرض کردم

آقایان توجه داشتند این برای مملکت مفید است باید

مردم بیدار شوند این در اینجا نوشته شده کسی هم که

نمیخوانند ولی در روزنامه ها نوشته روزنامه ها هم

که موظف نیستند بنده هم که تند صحبت کردم شاید هم

نشود که نوشته خود اما از نظر مملکت در این موقع

بایرک نطق نمایندگان بایستی درج شود از اینجهت

استعما دارم که اصلاح شود

رئیس - مکرر گفتیم چیزی که منط اعتبار است

صورت جلسه رسمی است نوشته روزنامه جرات این جا

نمیشود استناد کرد باین جامربوط نیست آقای مهدی

ارباب فرمائید

مهللی ارباب - راجع بارز صحبتی که بنده

کردم که یک صادر کننده در موقع مقرر حاضر نمیشود

حاضر میشود بوده است این اشتباه است و خواهش می کنم

اصلاح شود و دیگر اینکه وقت بنده بیش از ۲۰ دقیقه است



**رئیس** - وقت شما محفوظ است آقای مکی  
**مکی** - بنده قبل از تعطیلات عید روزی که تعطیلات عید شروع میشد از مقام ریاست دوجلسه تحویل اجازه کرده بودم که اگر احیاناً در تراز مسافرت مراجعت کردم غیبت بنده بدون اجازه نباشد و با تحویل اجازه از مقام ریاست مسافرت رفته بودم اکنون استعفا می-کنم غیبت بنده را با اجازه محسوب فرمایند و اصلاح شود  
**رئیس** - آقای مکی خبر فرمیدند  
**مخبر فرمیدند** - بنده طبق ماده ۸۰ نظامنامه اختصار دارم  
**رئیس** - بفرمائید  
**مخبر فرمیدند** - بنده طبق ماده ۸۰ که موضوع دستور جلسه است اختصار دارم و این مربوط آخر ماده است که میگوید دستور به چه وجه قابل تغییر نیست مگر در موردی که بحکم فوریت و ضرورت از طرف دولت یا ۳۰ نفر از نمایندگان کتبا تقاضا شود و در این صورت بشرط تصویب مجلس دستور تغییر خواهد یافت و البته این قسمت اخیر اصلاح شده است و ۳۰ نفر نماینده شده ۱۵ نفر که موضوعی که از چند ماه قبل مورد توجه بوده است و مکرر هم اینجا یادآوری و مذاکره شده است و ۲۰ یا ۲۵ نفر هم کتبا پیشنهاد کردند و تقاضا کردند بقید دوفوریت که آنرا جزو دستور بگذارید موضوع مخارج اطافهای بازرگانی و اصلاح ماده ۲۰ قانون مالیات بردرآمد است که در سال ۱۳۲۸ گذشت که قرار شد آن صدی نیم اطلاق بازرگانی را بهمه جا تقسیم کنند یعنی بودجه مایشان را تأمین کنند از این ماده بعد آمدند این ماده را تغییر دادند گفتند مایدات هر جا متعلق بخودش آنوقت تمام تجاری که در شهرستانها هستند و بایستی مالیات بدهند همه آمدند تهران درآمد اینجا یک مبلغ گزافی است بیش از خرج و درآمد شهرستانها صفر هیچ نیست مثالش را از همدان میزنم ماهی هزار و هفتصد و دوهزار تومان خرج اطلاق بوده مرتب می-دادند بعد از تغییر آناده حالا شاید ماهی سیصد چهار-صد تومان بیشتر میشود همه جا شکایت کردند بنده که نماینده همدان هستم از همه جا تلگراف دارم دیگران دیگران همه آقایان دارند (صحیح است) اطلاق بازرگانی همدان هفتاد است که تعطیل است و حقوق با آنها نرسیده اگر این موضوع اهمیت ندارد که حقوق آنها نرسد اطلاق هم تعطیل باشد بنده عرض ندارم اگر باید برسد و اطلاق بازرگانی باید باشد حقوق مستندها را باید داد پیش از این ماه کنشود مطاعا کرد چند نفر بنده استعفا کردم پیشنهاد کردم پیشنهاد من هم مال سال گذشته است که بنده اختصار کردم از جناب آقای رئیس تمنی میکنم که آیین نامه را رعایت فرمایند و پیشنهاد نمایند که احترام بگذارند باید بفرمایند یا مجلس رد میکنند یا قبول میکنند اگر قبول کرد باید جزو دستور بشود و کار بگذرد اگر نکرده هیچ  
**رئیس** - پیشنهاداتی که برای دستور رسیده نظایرش زیاد است پنج هشت فقره است ولی باید مجال باشد الان کار دولت در پیش است سابق کار رفت بود کارهای مهمتری بود باید مجال پیدا شود  
**مخبر فرمیدند** - این کار از نظرهای قبل از دستوری که وقت مجلس را میگیرد بهتر است  
**رئیس** - آنرا آیین نامه اجازه داده است  
**شوشتری** - بهتر است بودجه است  
**مخبر فرمیدند** - بالاخره جزو دستور نمیشود

**رئیس** - پس از اینکه برای امتداد داده شد پنج شش فقره طرحهای ۱۵ و ۲۰ اضافی است که باید مطرح شود و برای گرفته شود بفرمائید آقای ممدل  
**ممدل** - در صورت مجلس بخواهد بنده از وزارت کشاورزی اشاره نشده این موضوع اگر چند روز دیگر منقذی شود تمام صفحه جنوب در آتش میسوزد (صحیح است) استعفا میکنم این را در دستور بگذارید در این جلسات که آقای وزیر کشاورزی توضیح بدهند ما هم توضیحات خودمان را بدهیم که اقلا اهل ولایت بفهمند  
**رئیس** - سؤالی که شما کرده بودید آقای ممدل همان روز برای دولت ارسال شده البته وقتیکه ضرورت اقتضا کند ممکن است صحبت بشود آقای حائری زاده  
**حائری زاده** - در عرایضی که در روز عرض کردم اشتباهاتی شده که اصلاح کرده و میدهم بنده نویسی **اسلامی** بنده اختصار نظامنامه ای دارم مطابق ماده ۲۲  
**رئیس** - بفرمائید بینم چه میگوید  
**اسلامی** - مطابق ماده ۲۲ نظامنامه قانون انتخاب هیئت رئیسه بایستی کمیسیونهای مجلس هم تشکیل شود (صحیح است) البته بنده نمیخواهم حالا که برنامه دولت مطرح است کار دولت بتعویق بیفتد ولی مجلس باید جلسه فوق العاده تشکیل بدهد که کمیسیونها هر چه زودتر تشکیل شود و این لوازمی که در کمیسیونها هست هر چه زودتر تکلیفش معلوم شود و مقام ریاست هم یک روز را تعیین فرمایند همه یا شنبه عصر که کار مجلس از این حیث فلج نشود ممکن است کار دولت دوسه جلسه دیگر طول بکشد یک موضوع دیگر که بنده در جلسه گذشته عرض کردم جناب آقای نخست وزیر تشریف نداشتند چند نفر از وزرا بودند بنده عرض کردم که در خارج از ایران راجع بایران صحبتهای زیاد میکنند بنده و آقای مکی که تازه تشریف آورده اند در دیدار چند کشور عرب بقدری راجع بایران حرف هست که نمیدانم و حالا که اینجا آمدیم و روزنامهها را میخوانیم ببینیم در جاهای دیگر هم هست بنده در یکسال پیش راجع بوزارت امور خارجه صحبت کرده بودم و پیشنهاد انتقالش را کردم و آقای حائری زاده هم تأیید کردند و حالا ببینیم که پیشنهاد بسیار بجائی بوده (زنک رئیس)  
**رئیس** - آقای اسلامی نسبت باخطاری که کردید بفرمائید  
**اسلامی** - اجازه بفرمائید عرض کنم واقعا پیشنهاد بسیار بجائی بوده و حالا بنده استدعا میکنم که مأمورین وزارت خارجه دستور بفرمائید که با روزنامه نویسا تماس بگیرند مصاحبه کنند صحبت کنند و تکذیب کنند آنها که ادعا میکنند سوار شدن و بزدان که نیست آقای زادپوی تهران باید کسب اطلاع کند از خارج و تکذیب کند این را استعفا میکنم که دستور بفرمائید توجه شود  
**رئیس** - موضوع کمیسیونها که گفتید البته خیلی مهم است و در دستور هم بوده پیشنهادی هم آقای ارباب کردند چون آنطرحی که آقایان دادند این بود که از شعب انتخاب شود این در دستور بود هبطور نامه ای از طرف دولت رسیده است راجع بحکومت نظام در غوزستان اینها را با تشکیل جلسه هفتگی میسر و رو نمیشود انجام داد (ارولان - عرض فتنه) باید جلسات بیشتری تشکیل بشود تا بجائی منتهی شود آقای کشاورز صدر

**کشاورز صدر** - در موقعیکه نامه بانک ملی را فرمودید قرائت شد بنده اختطاری کردم در اینجا درست درج نشده مراد بنده این نبود که بفرمائید نامه ای که آقای رئیس دستور فرمودند اعتراض کرده باشم البته حضرت عالی حق دارید نامه هائی که میرسد دستور بفرمائید که قرائت شود اولاً آقایان منشیها نیندازند که نامهها بودند این عنوانی نقد که آقای رئیس این نامهها رسیدند قرائت میشود این یکی دوم اینکه خواستم عرض کنم بعدا هم ما اجرا قانون بادر قانون ذکر کرده است و یا ذکر نشده اگر در قانون ذکر شده است تاریخ همان است و اگر در قانون ذکر نشده است مطابق قانون مدنی مینماید که کی هست ولی بعنوان یک نامه ای از طرف بانک ملی نمیخورد در اینجا تفسیری کرد در قانون هست که مجمل است با صریح است اگر مجمل است و با تفسیر باید روشن بشود طبق تشریفات میشود که با نامه بانک ملی و اگر صریح است خودشان اجرا کنند نه اینکه ما در اینجا یک مطلب بین الامرین بیآوریم و از اصول و قواعد انحراف پیدا کنیم مراد بنده این بود والا بدستوری که آقای رئیس فرمودند در مورد قرائت نامه اعتراضی نداشتیم  
**رئیس** - من گفتم که در همینجا باید مورد بحث قرار گیرد و جواب بانک نوشته شود  
**کشاورز صدر** - بانک ملی نمیتواند از مجلس بخواهد بعنوان نامه بانک نمیتوان اینجا مطرح نمود اگر دولت میخواهد میشود  
**رئیس** - شما عرض من توجه نکردید طبق ماده آیین نامه نامه باید قرائت شود و مجلس رای بدهد که بالاخره یک جوابی برایش تهیه شود آقای صدوزاده  
**صدوزاده** - در دوجلسه بنده را غایب بدون اجازه نوشته اند در صورتی که درخواست مرخصی کرده ام و بکمیسیون محاسبات رفته ولی چون کمیسیون محاسبات تشکیل نشده هنوز غایب بدون اجازه نمیتوانم  
**رئیس** - اصلاح میشود آقای بهادری  
**بهادری** - سؤالی بنده از دولت سابق کرده بودم راجع باینکه کشاورزی استعفا میکنم که مقام ریاست مقرر فرمایند باستحضار دولت برسد تا برای جواب حاضر شود  
**رئیس** - عرض کردم آقایانی که سؤالاتی از دولت قبل کرده اند اگر میخواهند که سؤالاتش تعقیب شود یک یادداشتی بدارد قوانین بفرستند تا تعقیب شود دیگر نظری نسبت بصورت مجلس نیست (گفته شد غیر) صورت مجلس تصویب شد

**(۲) بیانات قبل از دستور - آقایان:**  
**آشتیانی زاده - حاذقی - دولت آبادی**  
**کشاورز صدر - جمال امامی**  
**رئیس** - چند نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند: آقای آشتیانی زاده  
**آشتیانی زاده** - علاوه بروقت خود دقیقه هم جناب آقای دولت آبادی بنده مرحمت فرموده اند در روز انتخابات مجلس سنا بسیار کسی خانه یافت موقتاً امضاء کنند فرار داد ۱۹۲۲ در انتخابات ریاست مجلس سنا در موقعی که همکار ایشان رئیس دولت است غیر منتظر نبود  
**هم** انتخاب آقای ملامر بریاست وزرا هم انتخاب آقای تقی زاده بریاست سنایرد و **حاذقی** - البته نقد در ایران واقعا ملی خواهد شد (حاذقی) - البته

خواهد شد مجلس رای داده است) آقایان اجازه بدهید من حرفم را بزنم ۲۰ دقیقه وقت دارم و در نطق قبل از دستور میتوانم نسبت به موضوعی حرف بزنم مخصوص که جبهه محترم ملی بادیوت همکاری و اشتراک منافع پیدا کرده اند (مکی) - ولی تسلیم قوام السلطنه خیانتکار نخواهند شد ( و در همان حال که اعلامیه منتشر میکنند ابتدا در کار دولت دخالت ندارند انتخاب آقای ارسلان خلعتبری از اعضاء برجسته جبهه ملی که من بشایستگی ایشان اعتراف دارم بعنوان شهردار تهران بهترین دلیل بر عدم مداخله جبهه ملی در تشکیل دولت و تغییرات اداری اخیر است. ( ارباب - مرد خوبی است) وقتی بنده شنیدم که آقای تقی زاده بریاست سنا انتخاب شده اند و تعداد فراماسونهای مجلس ستاعلموم شد چند نفر هستند و آقای ملامر با این تشریفات و با معاضدت جبهه ملی نخست وزیر شده اند نمی دانم چرا بی اختیار مناظر القاه امتیازنامه داری پیش چشم من مجسم شد این موضوع موضوع بسیار مهمی است آقایان توجه کنید

القاه امتیازنامه داری در سال ۱۳۱۱ هجری بعد از یک سلسله مقدماتی بعمل آمد که موجب اقبال تمام مردم ایران شد برای مردمی که نظر و غرضی ندارند و چنانکه آقایان بخاطر دارند در سرتاسر کشور جشن گرفتند و چراغانی کردند از ۳ ماه پیش از روز یازدهم آذر ۱۳۱۱ که مجلس رای بالقاه امتیازنامه داری داد در مجلس رضاشاهی که همه از اهمیت آن اطلاع دارند سؤالات مکرری از طرف آقای دشتی و سایرین از دولت شد که چرا تکلیف را با کمیانی نقد یکسره نمیکنند روز پنجشنبه سوم آذر ماه ۱۳۱۱ آقای دشتی در مجلس شورای ملی از آقای وزیر اداری سؤال کرده و میگوید

سؤالی که دو ماه قبل از آقای وزیر مالیات راجع به همیه دولت ایران در وقت جنوب نودم هنوز بجائی نرسیده و در آنوقت تذکر دادم که دولت باید یک قدری شهامت و شجاعت فکری داشته باشد و باین وضعیت خانه دهد

امروز که دولتها معاهده و رسای را لغو میکنند دولت ما بایستی نسبت بیک امتیازنامه پوسیده که تمام یکطرفی است سهل انگاری کند و من میدانم که این مسئله هنوز حل نشده و دولت اقدام جدی بعمل نیآورده است و چرا دولت در القاه امتیاز داری مسامحه می کند

آقایان ملاحظه بفرمائید که لحن نطق آقای دشتی تا چه اندازه شدید و محکم و هیجان آور است روزنامه اطلاعات نیز در آنزمان وظیفه بعضی از جراید این زمان را اجرایی کرد و مقالات شدیدی بر ضد کمیانی منتشر میساخت روز پنجم آذر ۱۳۱۱ یعنی روز پیش از تصویب ماده واحده القاه امتیاز از طرف مجلس اطلاعات در مقاله خود نوشت: «قلب من الهام شده است مغز قریب امتیازنامه داری لغو میشود»

عصر روز بعد آقای تقی زاده ضمن نامه ای بشرکت نفت اطلاع داد که دولت ایران تصویب بالقاه امتیازنامه داری گرفته است و بگفته بعد این موضوع در مجلس مطرح شد و معلوم است که و کلا باچه شور و شعفی از آن استقبال کرده اند  
**اینک** قسمتی از صورت مجلس روز پنجشنبه دهم می خوانم

آذر ۱۳۱۱ را که در کتابت آقای لسانی هم مندرج است قرائت میکنم روز پنجشنبه دهم آذر ۱۳۱۱ جلسه مجلس اختصاص بوضع القاه امتیاز نامه داری پیدا کرد در این جلسه ابتدا آقای تقی زاده وزیر مالیه مراتب را در میان شور و شغف بر کفازدن نمایندگان باستحضار مجلس رسانید و سپس مرحوم حاج محتم السلطنه و آقای فهیمی و آقای دشتی نطقهای مسرت آمیزی ایراد نمودند و همگی از این پیش آمد وقدم بزرگ دولت و احساسات عمومی که پشتیبان این امر میباشد صحبت نمودند و بالاخره رئیس مجلس گفتند

عده زیادی از آقایان برای ابراز احساسات مسرت آمیز خودشان اجازه خواسته اند حق هم دارند این موقبت بزرگ آقایان را بنشاط آورده است و همه میل دارند احساسات خودشان را ابراز و احساس کنند ولی بنظر من بهترین طرز و نیکوترین رویه اینست که آقایان این اقدام اختصار آمیز را برای تصدیق خودشان تأیید فرمایند و از این نیکنامی بهره و سهم بگیرند

آقای رهنا نماینده محترم برای عملی شدن آرزوی هموم آقایان پیشنهادی تدارک کرده اند که بصورت ماده واحده قرائت میشود  
**ماده واحده** - «مجلس شورای ملی موافقت خود را با تصویب دولت راجع بالقاه امتیازنامه داری ابراز اقدام دولت در ادراک این موضوع تأیید و تحسین مینماید» این پیشنهاد با تفاق آرا تصویب شد

بلافاصله در سراسر ایران مردم ایران چراغانی کردند و اصناف جشن گرفتند - جراید فوق العاده انتشار دادند و روزنامه اطلاعات در فوق العاده رنگی خود نوشت  
**این اقدام** بزرگ دولت صحنه پرافتخاری در تاریخ ایران باستان باز گردان زنجیر موهوم یا امتیازنامه از دست ویای مملکت باز باشد و منابع ثروت ایران بدست مالک حقیقی خود یعنی ملت ایران افتاد (بیچاره ملت ایران!) تا هر نوع مقتضی بدانند از زمان ذرخیز خود بهره برداری کنند ملاحظه می فرمائید که چند نوشته های در روز و امروز باهم شبیه هستند (دکتر بقائی - هیچ شباهتی ندارند) ملاحظه بفرمائید تاریخ را که از عقب ورق نیز تند

باز هم دنباله مقاله روزنامه اطلاعات ...  
 « بالاخره استندمای ملت از پیشگاه همایونی باجابت رسید و ما اکنون در مقابل یک امر واقع شده مثل القای کابیتولاسیون هستیم که از تصور ما خارج بود حالا موقع آنست که از این فرصت نیکو حد اکثر استفاده را بنفع ملت و کشور ایران بشانیم»  
**این مقاله** روزنامه اطلاعات روز یازدهم آذر ۱۳۱۱ شمس است

آقایان نمایندگان - ملاحظه بفرمائید که چند حوادث بهم شباهت دارند اگر تاریخ روزنامه را ذکر نکنم هیچیک از آقایان متوجه نمیشدند که این مقاله را برای ملی شدن صنعت نفت نوشته اند یا برای القاه امتیازنامه داری  
**عجب** است که عکس العمل پارلمان و مطبوعات انگلستان در مقابل القاه امتیازنامه داری شباهت تامی بعکس العمل حضرت در مقابل ملی شدن صنعت نفت دارد (حاذقی - حالا دیگر نمیتوانند)  
**این مطالب** را باز از کتلی نقد آقای لسانی می خوانم

خبر گزاران رویتر خبر میدهند  
 « انتشار القاه امتیازنامه داری موجب نازل شدید قیمت سهام شرکت نفت در بورس لندن شده است اتونوی این معاون وزارت امور خارجه در جواب سؤالات هدیده نمایندگان راجع بالقاه امتیاز نفت اظهار داشت: دولت بریتانیا اطمینان دارد که قرارداد داری که در سال ۱۹۱۱ بدست ۶۰ عیال اعطاء شده است هیچگونه قیدی راجع بالقاه آن در امتیازنامه وجود ندارد این به بیانات خود چنین ادامه میدهند  
 « در تاریخ دوم دسامبر وزیر مختار انگلیس در تهران بر طبق دستوری که باو داده شده بود یادداشت شدید یعنی بدولت ایران نوشته و ضمن آن مجله بسیار شدیدی را که دولت بریتانیا در این مورد اتخاذ نموده خاطر نشان ساخته است و علاوه متذکر شده که دولت بریتانیا در وقت ضرورت از توسل بکلیه اقدامات جهت حمایت منافع حقه و غیر قابل اعتراض خود تردید نخواهد داشت»

روز هفدهم آذر ماه ۱۳۱۱ دومین یادداشت شدید یعنی سفارت انگلیس بدولت داده شد که در قسمت اول آن جملات زیر خوانده میشود:

« چنانچه دولت ایران حاضر نباشد اعلامیه خود را در القاه امتیاز در ظرف مدت یک هفته از تاریخ این مراسم یعنی تا روز پنجشنبه ۱۵ دسامبر مسترد دارد دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس چاره ای نخواهد داشت جز اینکه موضوع مشاجره بین خود و دولت ایران را با قید فوریت بدیوان داوری بین المللی لاهه مراجعه کند»

در جواب یادداشت سفیر انگلستان دولت ایران یادداشتی بسیار زنده تر از نامه اخیر آقای ملامر بدولت انگلستان فرستاد و جراید انگلستان فرانسه و امریکا مقالات مفصلی بر له و علیه تصویب ایران نوشتند که من نمی خواهم باخواندن تمام آنها وقت آقایان را بگیرم همچنین نطقهای شدیدی در مجلس نامه انگلستان بر له و علیه ملت ایران بعمل آمد از میان مقالات جراید خارجی مناسبت القاه امتیازنامه داری قسمتی از مقاله روزنامه «ایزوستیا» را که روز سوم دسامبر ۱۹۲۲ منتشر شده است میخوانم

« اقدام دولت ایران را راجع بالقاه امتیازنامه داری یک عمل سیاسی برجسته باید شمرده و متعصمین بورژوازی حقوق بین المللی البته هزاران دلیل پیدا خواهند کرد تا تصویب دولت ایران را لکه دار کنند ولی این نکته بسیار روشن و واضح است که جل این مسئله در دائره فرمولهای حقوقی واقع نشده بلکه منوط بتناسب قوای سیاسی است تا این اندازه که در این قضیه یک کمیانی نشی جهان با دولت ایران طرف نیست بلکه نیروی نظامی و سیاسی انگلیس که در پشت سر کمیانی قرار گرفته اند با دولت ایران طرف میباشد بنابراین باید تصدیق کرد که تصویب دولت ایران بالقاه امتیاز یک عمل بسیار متهورانه می باشد. اتفاقاً این تصویب بدین سبب امکان پذیر شد که امپراطوری بریتانیا در زیر ضربات بحران جهان دیگر دل سابق را ندارد اختلاف کنونی انگلیس و ایران نشان رفته مهمی است که در سیاست استعماری انگلیس حاصل شده و انعکاس آن در مالک شرق مسلماً موجبانی فراهم خواهد ساخت که فکانهاییکه



در بنای متزلزل امپراطوری فرعون برپایا پدیدار شده پیش از پیش علی نشود.  
این بود قسمتی از مقاله روزنامه شوروی ایروستیا که ۲۰ سال پیش بمناسبت الفاه امتیاز داری منتشر شده است.  
آقایان نمایندگان محترم.

اینکه بنده عرض کردم انتخاب تقی زاده بسمت ریاست مجلس سنا وانتخاب علاء بریاست وزرا جفا همکاری و معاضدت جبهه ملی و اکثریت مرابشک و تردید انداخته است که مبادا خدای نکرده خواب نازدهای برای ملت ایران دیده باشند بر اثر مرور صفحات تاریخ ۲۰ سال پیش است آیا واقعا نفت ایران ملی خواهد شد؟ (نمایندگان- البته خواهد شد) آیا مقصود از ملی شدن نفت این خواهد بود که تمام استخرجات نفت جنوب را در مدت امتیازنامه ۱۹۳۳ در دست بانکهای بیگانه بفرستیم؟ آیا واقعا ما اتلی و مورسین و ترومن و اجسن را بزانو درآوریم؟ آیا انگلیس و امریکا از ترس ما راضی شده اند اصل ملی شدن نفت را قبول نکنند یا آنکه خیالات دیگری دارند.

من بهیچوجه نمیخواهم باین سوالات گنج کننده جواب بدهم فقط آینه آینه نزدیک برده از روی این معما برخواهد داشت.  
رئیس - آقای آشتیانی زاده وقت شما تمام شده است.

**آشتیانی زاده** - دقیقه از آقای دولت آبادی وقت خواستم.  
**دولت آبادی** - خیر قربان سه چهار نفر از بنده وقت خواستند.

**آشتیانی زاده** - بنده از آقایان جبهه ملی تقاضا میکنم دقیقه بن وقت بدهند (همه نمایندگان) بنده دقیقه بیشتر وقت نمیخواهم.  
رئیس - این موکل برای مجلس میشود  
**آشتیانی زاده** - استدعای عاجزانه دارم ۱۰ دقیقه اجازه بدهید.

رئیس - برای این که سابقه ای گذاشته نشود اگر کسی از ساعت مقرر در نظامنامه بخواهد تجاوز بکند و معاللی باشد بایستی رای بگیریم (جمعی از نمایندگان - رای بگیریم) مخالفی که نیست.  
**کشاورز صدر** - بنده مخالف با تمدید نطق ایشان هستم و توضیح میدهم.

رئیس - هر وقت از مجلس سؤال شد معالنی نبود ممکن است رای گرفته نشود ولی حالا چون مخالف هست برای تمدید دقیقه یا ده دقیقه نطق ایشان باید رای گرفته شود حالا آقای آشتیانی زاده دقیقه اجازه میخواهد؟ (آشتیانی زاده - ۱۰ دقیقه) آقایان که بنا ۱۰ دقیقه تمدید نطق آقای آشتیانی زاده موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد بفرمائید بیاناتتان را ادامه بدهید.  
**آشتیانی زاده** - فقط وجود امضاء کنند فرار داد ۱۹۳۴ در رأس سنا و شریک جرم او در رأس دولت و باز بگر قرارداد در هیئت دولت این شبهه را در هر وطن پرستی ایجاد میکند که اگر واقعا باید حقوق ملت ایران استیفا شود این اشخاص در این پست های حساس بکنند؟

من حتم دارم که بعد از قبول اصل ملی شدن نفت ایران درواشنگتن آقای علاء هم آنرا قبول خواهند داشت و شاید تشریف بیاورند و پشت این تریبون ضمن نطق فراموشی موافقت خودشان را اعلام میکنند.

در هر صورت ۱۵ سال گذشت تا مردم ایران فهمیدند در سال ۱۹۲۳ چه کلامی بر سرشان رفت اینستکه با چشم باز مرابشک کوچکترین حرکات اقلیت سابق و اکثریت دولت هستند و میترسند که مبادا آن پردهها بار دیگر تجدید شود.  
البته اظهار این مطالب آتم پست تریبون مجلس ممکن است برای من گران تمام شود. چنانکه نطق بنده در برنامه دولت موجب باز شدن سبیل فحش و ناسزا در روزنامه باختر امروز طرف من شده است. من نمیدانم چه گناهی کردم که سازش جبهه محترم ملی را با دولت علاء و موافق آنرا تذکر کردم.

ممکن است دامنه این حملات آقایان نسبت بمن بجلس هم کشیده شود ولی بنده با کمال بردباری و خونسردی این ناسزاها را تحمل میکنم.  
روزنامه باختر امروز ارگان جبهه محترم ملی تلویحا نوشته بود که من جاسوس انگلیس سارق و حقه باز و شیاد هستم.

هنوز که محکمه ای تشکیل نشده است تا بسوابق من و آقایان دیگر رسیدگی کنند (فرامرزی - همان محکمه ای که آقای علاء تویش محکوم شده) و من نمیخواهم وارد شخصیات بشوم ولی فرض کنید واقعا من جاسوس انگلیس- دشمن ملت- دزد سارق باشم باید دید آیا ایرادات من بجبهه ملی وارد است یا نیست. (حاذقی- نیست) آیا جبهه ملی با دولت ساخته است یا نه این را بن بفرمائید. آیا آقای دکتر مصدق از آقای علاء دوست سی-اله شان تشکر کرده اند یا خیر؟ آیا علاء با اعتراف تقی زاده عزیز در قرارداد ۱۹۲۳ بوده است یا نه. آیا تقی زاده مؤسس و پانی این دولت بوده است یا نه (مکی- آری آقای قوام السلطنته در التیامات ۱۹۱۱ وزیر کشور بوده اند یا نه؟) قوام السلطنته هر چه میخواهی بگو بن چه (کشاورز صدر- همه مرافعه برای او است) بعد از جواب این سوالات! آنوقت باید پرسید که چرا جبهه ملی با چنین دولتی همکاری دارد؟ (مکی - ما با دولت همکاری نداریم جواب هم میدهم و پرده هارام بالا میزنیم) بنده در مقابل تمام نقشها و کلمات و یک آقایان چیزی نخواهم گفت و روزنامه ای ندارم که مدافع من باشد. تنها هستم و آقایان دستهای هستند- زور دارند نفوذ دارند. روزنامه دارند. فحش بدهند ناسزا بگویند کتک بزنند هر چه میخواهد بکنند.

ولی برای اینکه خاطر آقایان نمایندگان و مخصوصا خاطر جناب آقای دکتر مصدق که همیشه طرف احترام من بوده هستند از میزان حقیقت گوئی روزنامه ارگان جبهه ملی باختر باشد فقط چند اشاره بمندرجات چند سرفا مقاله روزنامه باختر در سال ۱۳۲۴ یعنی پیش از مسافرت آقای دکتر فاطمی بارویا می کنم.  
آقایان میدانند که در آخر دوره چهاردهم اقلیت ۱۰ نفری مجلس بزمامت آقای دکتر مصدق برای مخالفت با کابینه صدراعظم استروکسپون کرد و استروکسپون دو ماه طول کشید.

آرروز آقای دکتر مصدق که در رأس مبارزه - کنندگان ملی قرار داشتند مورد مهر و محبت آقای فاطمی نبودند زیرا باختر ارگان اکثریت و همکار جناب آقای دکتر طاهری بود. آرروز باختر آقای دکتر مصدق را آلت دست حزب توده معرفی می کرد و در سرفا شماره ۷۰ باختر مورخ س و یکم خرداد ۱۳۲۴ تحت عنوان «ترور سفید» چنین نوشت این مقاله را میخوانم (کشاورز صدر - باختر بوده است نه باختر امروز) «آخرین آرزوی توده ای ها همین بود که دسته ابرایا با خود همراه کنند و دکتر مصدق را جلو بیاورند» مقدمات اینکار فراهم شد و دکتر مصدق که بغیال خودش در راه آزادی مبارزه می کند زنجیر اسارت را بدست گرفته بر گردن یکان یکان هموطنان خود میگذازد. دیر روز در این ابواب مدنی آقای دکتر مصدق در دل تلفنی داشتیم. آقای دکتر مصدق می گفتند در کلبه ششون سیاسی و اقتصادی واجتمای محتاج باصلاحات هستیم و اینکارها از وظایف اکثریت است. جواب ما با آقای دکتر مصدق این بود که اکثریت می گوید قسمت شده وقت مجلس را در دوره چهاردهم شما گرفتید و بخطابه خواندن و موافقتها و مخالفتها بی اثر صرف کرده اید شما آقای دکتر مصدق برای پارلمان وزن و آبروی باقی نگذاشتید»

منکه این قسمت از مقاله باختر را میخوانم حقیقه آرزوی آقای دکتر مصدق خجالت میکشم و برای نشان دادن تلون سیاسی آقای مدیر ارگان جبهه ملی ناچار از قرائت این جملات بودم و از جناب آقای دکتر مصدق معذرت میخواهم.  
از این قبیل نوشتهها در باختر فراوان است و من قرائت آنرا اسامه ادب بساحت آقای دکتر مصدق میدانم. مقصود اینست که این نیشهای زننده را تنها بنده تحمل نمی کنم حتی پیشوای محترم جبهه ملی از آن مصون نبوده اند.  
در روزنامه باختر خواندم که با آقای عباس اسکندری ناطق زبردست و مبارز متهور مجلس یازدهم حمله کرده و تمام مبارزات او را راجع بفت انکار نموده بود و تذکر داده بود که در آخر مجلس او بارویا فراز کرده بود.

بنده لازم میدانم اینجا یاد از آقای اسکندری بکنم و تذکر بدهم که فقط سرسختی و شهامت و از خود گذشتگی عباس اسکندری بود که در مجلس یازدهم موجب بیداری مردم ایران شد (صحیح است) وقتی زاده را بزانو در آورد و آن اعتراضات تاریخی که بفتح ملت ایران تمام شد و آقایان تر آنرا چشمه اید از او گرفت.  
بی انصافی است اگر بخواهیم حق این مرد را پامال افراض و حسادتها کنیم. عباس اسکندری بعد از حادثه یازدهم همین ایران را ترک گفت زیرا در محطی که ایجاد شده بود برای خیلی هاییم مضطرب میرفت و برای بعضیها مصونیت ایجاد میکرد مملکت بعضی آنکه قرارداد گس- گلشائیان در مجلس مطرح شد بسفارت ایران در پاریس مراجعه کرد و برای مراجعت خواست ولی سفارت ایران ویزا را موکل بکسب اجازه از تهران نمود و این اجازه با اسکندری داده نشد و حتی تکرافات او را بمجلس و دولت گوید همان ایام متغایره شد سانسور کردند.

بنده زیر بار این حرف نمیروم که فقط دو نفر در آخر مجلس یازدهم موجب تصویب نشدن قرارداد نفت شده باشند. اکثریت مجلس اگر مبخواست رای بکفایت مذاکرات بدهد مبادا و مانع از تصویب آقایان میشد.  
بنابر این اهانت کردن بمجلس بخاطر تبلیغات خصوصی کار شایسته ای نیست و همانطور که جناب آقای دکتر مصدق از تمام و کلاه تشکر کردند حق اینستکه مقاومت منفی و کلای مجلس یازدهم را مورد قدرانی قرار دهیم (صحیح است) سربنده راهم اگر آقایان بشکنند چاکر آقایان هستم.

**رئیس** - آقای حاذقی و آقای دولت آبادی تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند و یک پیشنهادی کرده اند آقای فرامرزی که مادام که برنامه دولت مطرح است نطق قبل از دستور باشد برای بعد.  
**کشاورز صدر** - بنده مخالفم.

**رئیس** - امروز که نمی شود این پیشنهاد برای جلسه بعد است آقایان نطق قبل از دستور امروز میتواند بکنند.

**فرامرزی** - پیشنهاد من مقدم است برای امروز داده ام.  
**رئیس** - امروز نمی شود رای می گیریم برای جلسه بعد.

**فرامرزی** - بنده پس گرفتم.  
**رئیس** - آقای حاذقی بفرمائید.

**حاذقی** - عرض آقایان محترم رسیده است که حاتم طائی یکی از سفراء تندران درجه اول عرب بود حسن شهرتی پیدا کرده بود و مردم معاصر باو یک حسن نظری پیدا کرده بودند برادری داشت که آن برادر از هر گونه فضایل و مزایا محروم بود ولی عاشق و حریص شهرت و افتخار بود یک موقع مشورت کرد که من برای احراز شهرت چه کنم دوستان او با نظر دادند که تو آن گذشت فداکاری و سخاوت برادرت داری که بتوانی شهرویشی و نه یک فضیلت و وضعیت دیگری در تو می بینم صلاح این است یک وسیله دیگری شهرویشی خلاصه پس از مطالعه بسیار راه حل کسب شهرت برادر حاتم طائی برای شد که در چاه مقدس زوم آمید ادرار کرد و از آن به بعد برادر حاتم طائی هم یکی از مبارزین قوم شد. گاهی انسان تعجب میکند و مواجه میشود با یک مسائلی که حیرت و تعجب او زیاد میشود، در جلسه پریروز مجلس شورای ملی آقای آشتیانی زاده بعنوان مخالف دولت در پشت این تریبون در این مکانی که همه ماسوگند خورده ایم که جز بروفق حق و بروفق صلاح ملت حرفی نزنیم مطالبی فرمودند که مورد درد و اکثریت قاطع نمایندگان حاضر مجلس و اکثریت قاطع مردم ایران بود، هر و کبلی حق دارد مخالف دولت باشد، این حق مسلم نماینده مجلس است ولی برخلاف مشهور و کیل مسئولیت دارد، مسئولیت وجدانی، مسئولیت در مقابل ملت، مسئولیت برای اینکه جز در مقابل حق و حقیقت صحبتی نکند آقای آشتیانی زاده مطالبی که فرمودند متأسفانه هم از جاده حق و حقیقت منحرف بوده است و هم توأم با منالطه و سفسطه بود کسانی که کمک بایشان کردند بودند و آن نسخه را تهیه کرده بودند متأسفانه از انصاف و از حق پرستی و از حقیقت بکلی دور بود (اسامی امیری - میبویا هر مورور و حال خیر خواه خادم)

(صحیح است) زیرا ممکن بود جناب آقای امامی اهری که انسان مخالفت با دولت بکنند ولی مطالبی بگویند که احساسات مردم را جریحه دار نکنند مادر این مملکت احتیاج بر حال خدمتگذار داریم، احتیاج داریم بکسانی که در مواقع حساس در مواقع مهم و مشکل قبول مسئولیت کنند و برای حفظ منافع مملکت ایستادگی کنند خلاف مروت است وقتی افرادی که با دادن امتحان و ارستکی و نداشتن هیچگونه هوی و هوس بملکت خدمت کرده اند و حالا در یک موقع دقیق و بارز برای حفظ منافع مملکت قبول مسئولیت کرده اند ما بیاییم آنها را برخلاف وجدان و حق لعن مال کنیم این را مردم وطن پرست ایران نمی پسندند و این مغالطه ها و سفسطه ها را مردم هم خوب میدانند و خوب میشناسند زیرا مردم عاقلتر از این هستند که با یک سلسله مغالطه هائی که دور از عقل و منطق است به خود آنها را گول زد زیرا مردم هوش دارند فکرها دارند تشخیص دارند نگاه بسوابق عمل اشخاص میکنند و بیانات هر کس را می سنجدند که این از کجا سرچشمه گرفته است و بچه منظور گفته میشود و چرا بیخود وقت ملت و مملکت گرفته میشود، ما چرا دور این حرفها برویم ما در مواقع بارزکی هستیم زحمانی کشیده شده برای حفظ منافع مملکت یک مقدمات عقلانی و صحیح درست شده این مقدمات راهم درش شریک بوده اند و بکنند تنها نکرده که ما بیاییم تمام این مقدمات و مجاهدت رانندیده حساب کنیم و بایک بیاناتی بخواهیم ایجاد تشنج و ایجاد تشنج و اختلاف کلمه بکنیم آقایان محترم مسئله ملی شدن نفت یک مسئله ای است که با همه و همه صحبت و متد یک یک شده ای که باین مملکت علاقه و ایمان داشته اند و با همت و فداکاری و همکاری قاطبه نمایندگان مجلس فدهای اولیه اش برداشته شده و ما الان بکسیبسون وقت دادیم که در عرض دو ماه طریقه و راه حل آنرا تهیه کنند و گزارش آنرا بمجلسین بدهد ما دنبال این حرف ایستاده ایم و با این مغالطه و سفسطه و مقایسه های مفرضانه که وضع خاص مملکت را شبیه سال ۱۳۱۱ میکنند و مجلس شورای ملی وقت ایران را حالا شبیه بآن موقع میکنند نیشود جلو این چیزها را گرفت و بیاناتی که مردم علاقه مند مملکت اظهار کرده اند و مخصوصاً زحمت نمایندگان جبهه ملی که قاطبه مردم تهران پشت سر آنها هستند میخوانند با این مغالطه ها و سفسطه ها غلط آنها را منصرف کند من خواستم بیانات آقای آشتیانی زاده با مستثنای آن مغالطه ها و سفسطه هائی که فرمودند نسبت بدولت حاضر مشتمل بر سه قسمت بود من این عقیده ای که عرض میکنم شخص خود معتقد هستم و شاید احتمال نزدیک یقین میدهم که اکثریت قاطبه مجلس شورای ملی هم موافق باشد اول اعتراضی که ایشان کردند یک مطلبی مبتذل و موهوم بود که اصلا اگر تجزیه و تحلیلش را از خود ایشان بخواهیم عاجزند گفتند جناب آقای علاء و بعضی از همکاران ایشان فراماسور هستند من درباره این لنت تحقیقاتی کردم معلوم شد که وقتی آتش استبداد و خود خواهی بعضی از سلاطین در اروپا مانع کارهای خیر بوده است مخصوصاً در فرانسه یک طبله ای باسم پناها که ماسون ها باشند پیدا شده بودند که با هم کمک میکردند کار خیر میکردند هم قسم شده بودند که کار خیر بکنند

و نسبت بنبذات ملتشان در مقابل سلاطین مستبد وقت همکاری مغنی داشته باشند بعد این بصورت مسلکی در آمده بود که مردمان خیر نوع دوست بآن مسلک پیوسته بودند اتفاقاً در حال حاضر مسلک فراماسونی بهیچوجه وجود ندارد و من تحقیق کردم و چنین کسی هم در ایران نیست زیرا که دلیل ندارد باشد چون مردم ایران مسلمان هستند و بالاترین مسلک خیر دوستی مذهب مقدس اسلام است (صحیح است) بنابراین مردم ایران احتیاج ندارند که برای دعوی خیر دوستی وارد یک مسلکی گازی یک قسمت از اروپا سرچشمه گرفته بشوند بنابر این علاوه بر این که کلمه فراماسون فحش نیست بدینست معنی خیانت نمیدهد بلکه برای خدمت بتوع بشر است اساسا در ایران این مسلک سوخته پیدا نکرده است گویا در چهل پنجاه سال پیش افراد محدودی بوده اند ولی الان در ایران هیچکس عضو این مسلک نیست و ابدأ قابل بحث در این مجلس شورای ملی نبوده و حرفشان بکلی باطل وی اساس بوده موضوع دوم آقای علاء کابینه شان راجع بفت مردود معرفی کرد بچه چی؟ حتماً است اتفاقاً قبل از اینکه مجلس شورای ملی بدولت ایشان رای اعتماد بدهد اولین عمل جوانمردانه ای که مورد پسند ملت ایران باشد کرده اند مقایسه حال حاضر مملکت ما با ۲۰ سال پیش هم حتماً یک قیاس غلطی است امروز انکار هموی دنیا براه ما مجهز است ملت ایران از خواب بیدار شده است و مردم حفظ حقوق خودشان را در سر لوحه مرام خودشان قرار داده اند مجلس شورای ملی ایران و مجلس سنا به تبعه از تابلات ملت با تفاق آراه رای داده اند گفت در سراسر کشور ایران باید ملی بشود دولتی که منتخب مجلسین است هیچ چاره ای ندارد جز اینکه مجری نیات مجلسین و ملت ایران باشد (صحیح است) و اتفاقاً جوابی که دولت جناب آقای علاء بسفارت انگلستان داده اند با کمال دراحت و وضوح و بدون اندک ابهامی این معنی را منکس کرده، دولت صریحاً آب یاکی را روی دست آن مقامات ریخت و گفت من مجری تصمیمات مجلس هستم بنابر این این مغالطه های آقای آشتیانی زاده در این موضوع بکلی بی ربط است مضافاً اینکه جناب آقای علاء در هر کابینه ای که بودند در هر پستی که بودند جز حسن خدمت بملکت بایک شده عمل هیچ کار دیگری نکرده اند (صحیح است) آقای علاء در موقعی که در سفارت شامشاهی ایران درواشنگتن انجام وظیفه میکردند در همان موقعی که مسئله آذربایجان پیش آمده بود با کمال کوشش و شجاعت از همان ملتی که به شان حقوق میداد دفاع میکردند خودشان پسرشان و جده شان همیشه دارای مقامی بوده اند شخصیت داشته اند و در این موضوع ایشان ایستادگی کرد و تا آن قدم آخر رفت و آن حرف آخر را هم زد این حرف را ماحالاً نیز بنیم حتی در یکی از جلسه های خصوصی مجلس شورای ملی من یاد دارم که این موضوع را عرض کردم و تمام نمایندگان تأیید کردند یعنی خدمت ایشان را تجید و تصویب کردند اما موضوع راجع بانعزال مجلس انصافاً این حرف باندازه ای دور از قبول و دور از ذهن است که هیچکس نیست فکر کند این دولت، این دولتی که شخص آقای علاء در رأس هست و این مردمانی که عمری بشرافتندش معروف بوده اند بیایند و یک همچو کارهائی که برخلاف



مصلحت مملکت باشد بکنند من بکنم این فکر  
اطمینان دارم که این دولت نه تنها تصمیم بانقلاب مجلس  
نمی گیرد بلکه با هر گونه انتصابات که برای اظهار  
عقیده و آزادی عقیده ملت ایران باشد مخالفت خواهد  
کرد . من فکر میکنم که آقای آشتیانی زاده خیلی  
اشتباه کردند ، همکار عزیز ما ، فکر کرده اند که با این  
بیانات می توانند دولت را از میدان بیرون کنند و طرفداران  
دولت را در اظهار عقیده خودشان مرعوب کنند در حالی  
که این فکر بیگانه است ، مگر آقایان نمایندگان  
این کسانی که در کابینه هستند عمل آنها افعال گذشته  
آنها را فراموش کرده اند ؟ که بگویم سوختن مملکت  
برای شما پیدا شود ؟ من آقایان اطمینان می دهم که  
خاطرشان جمع باشد که این دولت طرفدار هیچگونه  
عمل خلاف قانونی نیست اصلاً بفکر دولت هم آقایان  
مطلعونند که با هیچیک از دستهای مجلسین تماسی نگرفته اند  
مشورتی با هیچیک از آقایان نگرفته اند همه فراکسیون  
ها شاهد هستند . گواه هستند که این مردانی که در  
کابینه شرکت کرده اند صرفاً بمنظور همکاری با شخص  
آقای علاء و برای تشغیل دادن اهمیت وقت و خدمت  
بمملکت آمده اند البته این هم باختیار ما است اگر ما  
طرفدار مصلحت مملکتان هستیم اگر ما در حال حاضر  
بخواهیم که تمام ایران حفظ بشود اگر ما بخواهیم که  
از این تشنج و تشنگیها جلو گیری کنیم بدون تردید  
با کمال شهامت بدولت زای می دهم موضوعی که از همه  
مضحکتر بود ترش آقای آشتیانی زاده به جبهه ملی  
بود من تعجب میکنم باینکه در نظامنامه قید شده که  
سؤال و کیل از کیل ممنوع است ، اظهار عقیده و کیل  
آزاد است هر عملی که و کیل کرده مستوجب سؤال و  
بازرسی و تحقیق و مواخذه از طرف و کیل دیگر نیست  
چطور ایشان بی خودشان حق دادند که در این سه نطقی  
که کردند مدام به جبهه ملی حمله بکنند که چرا شما  
در مقابل تشکیل دولت سکت هستید آقایان جبهه ملی  
منتخب مردم است موکل دارد عقل دارند تشغیل دارند  
مگر بمنظور مثل ایشان خودشان را بدر و نفعت میزنند  
هر حرف باطلی می زنند آقایان مطالبه میکنند و از  
روی مصلحت مملکت و ملت حرف میزنند آقایان موکل  
دارند مردم تحصیل کرده و با سواد مردم تهران ناظر  
عملیات آن ها هست اگر آقایان بیایند  
نسبت بدولتی که آقای علاء در رأس است آقای  
سر لشکر زاهدی وزیر کشور است آقای نقی وزیر  
چنگش است و آقای وارسته وزیر دارایی است ،  
آقای آموزگار وزیر فرهنگ است آقای زنگنه وزیر  
یست و تلگراف است آقای امیر ملائی وزیر دادگستری است  
آقای فرمند وزیر کشاورزی است آقای رفیع  
وزیر راه است آقای دکتر مفخم معاون وزارت  
اقتصاد و آقای دکتر نفیسی کفیل وزارت بهداشت است  
آقایان چطور میباید اعتراض کنند . مردم بآن ها  
اعتراض میکنند مگر آقایان طالب مجهول مطلق  
هستند آقایان تمام تذکراتشان بمنظور اصلاح مملکت  
است متشکن است آقایان رأی بدولت حاضر بدهند  
باندند البته آزاد هستند نه حق من است و نه حق ایشان  
که اظهار نظر کنیم ولی اینقدر مهیا هم که آقایان روی  
عقل و مستطانتان حرف میزنند و کار میکنند آقایان  
برای هدف مقدس چندین سال زحمت کشیده اند ،  
وقت صرف کرده اند ، تهیه کرده اند ، بنا بر این

بکلی از بین برود) اجازه بفرمائید بنده عرض کردم  
این نظر را دارم که باقیمت معتدلی از کشاورزی خریداری  
بشود بنده باینکه نماینده شهرستان اصفهان هستم که  
پنجاه هزار نفر کارگر دارد ولی معتقدم که چون عده  
کشاورزان این مملکت زیاد تر است باید بنفع آنها  
عمل کرد الان هم جناب آقای مکی پنبه از دست  
زارع از سکیلونی سه تومان و چهار تومان بیشتر  
خریداری نشده است ( صحیح است ) ولی اگر نظر  
شورای اقتصاد عملی میشد قیمت پنبه در کیلویی ۶۰  
ریال تثبیت میشد ولی با این وضع یکروز دولت  
تصویب نامه صادر میکنند که منع صدور رالفو بکنند ،  
یکروز تصویب نامه صدور پنبه را صادر میکنند با این  
ترتیب نه کشاورز مطمئن بزندگی وزارتش هست و  
نه کارگر . بنده معتقدم دولت باید از روز اول توجه  
بنظریات شورای اقتصاد کرده باشد و تصمیمی بگیرد  
باین زودی نتواند اگر بنا باشد که اوقات آقایان  
وزرای محترم چند ساعت صرف بشود برای مطالعه  
در حکومت نظامی که بنده بآن مخالف بودم ولی چند  
روز بعد دوباره انوبکنند یکروز تصویب نامه صدور  
پنبه صادر بکنند و روز دیگر دو باره لاف بکنند  
بالاخره حکایت مملکت پیش نمیرود  
بنده تمنی می کنم در این مورد اقدامی بکنند آقایان  
هر چه زودتر که هم بنفع کشاورزان هم بنفع مملکت  
داخلی و کارخانجات باشد کار خانجات این مملکت  
بالاخره سرمایه ملی ما است و ما باید آنها را حفظ بکنیم  
بنده عرض زیادی دارم ولی امروز صرف نظر می کنم  
و روز دیگر می آیم در این مورد صحبت می کنم و تمنی  
می کنم همانطور که عرض شد بقیه وقت را آقای کشاورز  
صدر و آقای جمال امامی بدهند  
رئیس - آقای کشاورز صدر ، دقیقه وقت دارید  
بفرمائید .  
کشاورز صدر - بنده استدعا می کنم از  
آقایان محترم باینکه گشتشان کرد آقای آشتیانی  
زاده ( یکتفر از نمایندگان - نه آقای ) براض بنده  
توجه بفرمائید بنده بطلب اصولی می خواهم عرض  
کنم که مقید به مالک است تمام آقایان نمایندگان  
محترم هر موقع ، خود بنده هم یک قدری حاد و تند  
نصبه می کردند که آقایان کاری بکنند که اختلاف  
و تشنج از بین مجلس شورای ملی و بالبالا از بین  
مردم برداشته بشود تا اتحاد و اتفاق و هم آهنگی  
نهاد کاری پیش نیاید و این را همه آقایان خودشان  
ببنده نصبت کرده اند بنده می خواهم اینجا عرض  
کنم تمام ملت ایران خوبی داند که اگر کسی بجهه  
ملی نزدیک بشود برای آجیل گرفتن نیست جبهه ملی  
جز مواردی که یک کسی اعتراف پیدا کند او را  
بنازایانه تشنه بکنند که بنفع مملکت اقدام کن و با وصله  
بکند آجیلی بکسی ندهد تعریفی هم از کسی نمیکنند  
من هم جزء جبهه ملی نیستم که تصور بفرمائید می خواهم  
تمام مملکت تسلیم جبهه ملی باشد که ایکاش میشد و  
آنوقت بنده نفوذ زیاد بشود اگر جبهه ملی نفوذ  
چند برابر پیش از این بشود ببنده ارتباط ندارد اگر  
هم کمتر بشود زبانی بنمیرسد ولی بنده بحکم وظیفه  
و وجدان ناچارم اینجا عرض کنم که جبهه ملی در مقابل  
مملکت خیلی فداکاری کرده و پیش قراول آقایان  
دیگر بوده است کمال بی انصافی و بی مروتی است  
که آدم بیاید بر عهد ترین و وفادارترین عضو مجلس

نش بزند این را بدانید که اگر ما این روشی که آقای  
آشتیانی زاده همکار ما پیش گرفته است نصبتش  
بکنیم و باز دنبال بکنند مورد انزجار و نفرت ملت ایران  
قرار خواهد گرفت من بنفع آشتیانی زاده حرف می  
زنم نه بنفع جبهه ملی شامرا بخدا انصاف می خواهم  
از آقایان در این مملکت اگر افراد خوبی باشند  
جزه جبهه ملی باشند این ها باید محروم از این باشند  
که در کار دعوت بشوند مثلا این شهرداری که تعیین  
کرده اند من آنچه از افراد این مملکت شنیده ام و  
خودم بیست سال است با او سابقه دارم ارسلان خلعت  
بری از افراد شریف و صحیح العمل جدی است ( صحیح  
است ) این گناهای این است که جزء جبهه ملی است  
یک چنین شخصی را اگر بکار دعوت بکنند این عمل خلافی  
خواهد بود بنده می خواهم از دولت حمایت بکنم و اورا تقویت  
بکنم بنده بعنوان طرفداری دولت صحبت نمی کنم  
ولی آقایان نمایندگان محترم توجه بکنند که مادریک  
وضع خطیری قرار گرفته ایم که معتقدم دو نفر دشمن خونی  
هم در این موقع باید دست بدست هم بدهند الان راجع  
بوضع سیاسی امروزان در دنیا یک مذاکره می کنند  
یک مسائلی مطرح است که اینها ایجاب میکنند که ما اگر  
خسومت و دشمنی هم داریم دست برداریم و هم آنها را متحد باشیم  
این است که یکی راجع بملی شدن نفت و صنایع نفت  
مقایسه ملی شدن نفت ..  
رئیس - آقای کشاورز صدر نوبت شما  
تمام شد .  
کشاورز صدر - اجازه بفرمائید بنده عرضم  
را بکنم آقای جمال امامی مورد احترام ما هستند  
وقتی که ایشان اینجا تشریف آوردند بکریه ساعت  
هم که بخواهند راجع بسائل مهم صحبت کنند مجلس  
اجازه می دهد اجازه بفرمائید بنده عرضم را بکنم . راجع  
بمقایسه ملی شدن نفت و راجع بقرار داد ۱۹۳۳ کفر  
می دانم که کسی اینجا را با هم مقایسه بکنند آقای  
مذاکره از طرف نماینده مجلس در اینجا و مقایسه  
این دو امر با هم خیانت بمملکت است ، الان درباره نفت  
در خارج دارند گفتگویی کنند صحبت میکنند ما میگوئیم  
شما حق ندارید صحبت بکنید این ضرر دارد برای ما مقایسه  
ملی شدن نفت با قرارداد ۱۹۳۳ که بجزر و زور و فشار  
دولت انگلستان که مالک الرقاب دنیا در آنروز بود  
بسته شد با قرارداد ملی که ملت ایران را آزاد می کند  
بسیار فرق و تفاوت دارد این اظهار آقای آشتیانی زاده  
مبنی بر این مقایسه مورد انزجار و نفرت ملت ایران  
است ( غلامرضا فولادوند - آشتیانی زاده هم مقایسه ای  
نکرد ) گفت آقای ( چند نفر از نمایندگان - نگفت آقای )  
اگر نکرده است پس میگویم اما مطلب مهم دیگری  
که دو کلمه می خواهم عرض کنم این است که الان  
در واکنش راجع بموضوع تصمیم مجلس و ملت  
ایران یک گفتگوهایی می کنند باید از اینجا بنده با  
صدای بلند اعلام بکنم بدولت امریکا و بملت امریکا  
که ارزش شما وقتی است که امداتان مثل گفتار آن  
باشد شما می گوئید ما طرفدار آزادی و استقلال  
ملل هستیم خصوصاً ملل کمزور و بی آزار و اگر بخواهد  
راجع بامور نفت و ما تصمیمی گرفته ایم ذره ای  
فشار یا یورید یا معاضله بکنید شما قاتل حزب  
دموکراتیک و گفتگوهایی همکراستان را خوانده اید

اگر امریکا یا انگلستان راجع باین تصمیمی که ملت  
ایران بنفع خودش گرفته است مداخله بکنند مخالف  
منشور ملل متفق است و بنده از اینجا عرض میکنم که  
این تصمیم انگلستان و امریکا برفیای آنها اجازه  
میدهد که در مسائل دیگر دخالت کنند این است که  
بنده عرض خودم را اینجا خانه می دهم و عرض  
می کنم که برای آمدن همرو وزیر برای ریاست دولت  
ما نباید منافع عمومی و مصالح مملکت مانرا زیر پا  
بگذاریم و بیائیم اینجا حق کشی بکنیم روزنامه  
باختر همدار آزادی و اجرای ملی شدن نفت بود  
تیمورقاش - اینقدر مطالبه نکنید  
رئیس - آقای جمال امامی بفرمائید  
جمال امامی - بنده ده یا نوزده دقیقه عرضی  
دارم اگر اجازه بفرمائید عرض کنم .  
رئیس - باید رای گفت حالا بفرمائید پنج دقیقه  
را صحبت کنید بفرمای میگویم .  
جمال امامی - بنده آقای نخست وزیر و  
موضوع است که می خواهم بعضی تمالی در مقابل  
نمایندگان تذکر بدهم روزیکه من مرحوم رزم آرا  
را استیضاح کردم راجع باسترداد پناهندگان ایران  
باو گفتم ضعیف یک ملتی نباید موجب ذلت آن ملت  
باشد . ضعیف یک ملتی ایجاب نمی کند که آن ملت  
تن بذات و بیشرافتی بدهد ، من بشهادت اعضای  
کمیسیون نفت و غالب نمایندگان محترم کوشش  
کرده ام که قضیه نفت از حد خودش تجاوز نکند  
ولی اگر دولت انگلستان برای ارباب ما متوسل  
بزور بشود ما تاقیها خالدون میروسیم ( یکی از  
نمایندگان - نمیتواند ) آقا خواهش میکنم شما  
اخبار را بخواهید آموختن کشتی در برین را بخواهید  
من تذکر میدهم انشاء الله نشده باشد انشاء الله این  
عقل را داشته باشند که ما را متعصب تر از این  
بکنند احساسات یک ملتی را نباید با ارباب جریحه  
دار کرد ( جمعی از نمایندگان - صحیح است )  
ما خودمان اینقدر عقل و شعور داریم که منافع خودمان  
و منافع دنیا را تشغیل بدهیم ولی این نباید توأم  
با ارباب باشد ( صحیح است ) هیچوجه نه صلاح آنها  
است نه صلاح دنیا است که دست باین وسایل بزنند  
این را من از جناب عالی تقاضا میکنم بآنها گوشزد  
بکنید که بگذارند ما کار خودمان را پیش خودمان  
تمام کنیم دست باین اقدامات نزنند اگر بزنند من  
یکی تاقیها خالدون میروم میگویم یا حلی فرغش کن  
منهم روش مطلب دیگری که می خواهم عرض کنم  
راجع بدولت جناب آقای علاء است بنده در موقعی که  
رأی تمایل نسبت بعضی تمالی میگرفتم دفاع کردم  
صحت هم کردم یکمدهای از آقایان هم قانع شدند  
و موافقت فرمودند که جناب عالی رأی بدهند از نظر  
شخص شما نبود این عملی که بنده کردم از نظر  
اجتناب از یک ضرری بود چون بنده موافق اشخاصی  
نیستم که میگویند کیل در تشکیل دولت نباید دخالت  
بکنند تغییر بنده دخالت میکنم من آمده ام اینجا که  
دخالت در تشکیل دولت بکنم و الا موضوع دیگری  
نیست من همانطور که نسبت بشما اظهار تمایل بکنم نسبت به  
میکم حق دارم که نسبت بیک از وزرای شما اظهار  
نظر بکنم من اینطور تشغیل دادم که باید اظهار نظر بکنم  
والا چطور میشود رئیس الوزرا اظهار تمایل بکنم نسبت به  
وزرای او اظهار تمایل نکنم و بگویم نسبت بدیگران

بی نظر هستم این و کیل برای لای جز خوبست  
بنده از آن و کلا نیستم بنده و کیلی هستم که باید بدانم  
دولت از چه عناصری تشکیل میشود و پیش با  
هدف من موافق هست یا نیست اگر مطمئن باشم  
اینطور هست رأی میدهم و اگر نپاشم نپاشم و هیچ با کسی  
هم ندارم اگر رفیق مرا شما میاورید وزیر کنید بدون  
آنکه من از نظریاتش اطلاع داشته باشم بآن وزیر  
رأی نمیدهم مملکت که کارش شوخی بردار نیست هر  
کسی منظوری هدنی و مشی سیاسی دارد دولت باید  
موافق مشی سیاسی او باشد اگر اینطور نباشد و بآن  
دولت رأی بدهد آن کیل تکلیف خودش را انجام نداده  
آن و کیل نمیداند برای چه و کیل شده اینجا  
شما یکتفر مخالف جدی داشتید و آن آشتیانی  
زاده بود خوب یک خطابه ای نوشته بودند بدستش داده  
بودند آورد و خواند حالا اگر هم از جاده عدل و انصاف  
قدری تجاوز کرد از او نباید بیش از این توقع داشته  
باشم ولی به بیبنید موافقین شما کی هستند فاعداً  
جناب عالی اینطوریکه بنده تشبیه با آقایان نمایندگان  
محترم جبهه ملی تماس داشته و تقاضاهای آنها را  
پذیرفته اید خوب و بایندش را بنده نمیدانم فاعداً اینها  
باید طرفدار شما باشند ولی گمان نمی کنم اینها حربه  
ای را که در دست دارند و آن مخالفت را برای کل روی  
شما از دست بدهند این را که من گمان نمیکنم با سایر  
دستجات هم اینطوریکه بنده اطلاع پیدا کرده ام شما  
تماس نکرده اید و نباید توقع باشید که برای شما  
شمشیر کشی بکنند اگر راستی خودشان را و سکه  
می دانند نباید بیایند و شمشیر کشی بکنند کما این  
که بنده تابلک دولتی نباید و باینده مشورت نکنند من  
برای اوشمشیر کشی نمی کنم و لولاینکه آقای علاء باشد  
( اردلان - اگر از راه راست منحرف نشود چطور )  
اگر این نظر را بنده قبول داشته باشم باید به شمر  
ذی الجوشن هم اگر اینجا بنشیند باید من رأی بدهم  
تا بدهم ببینم که آیا خوب کار می کند یا نمی کند  
عرض کنم بنده دوایراد بزرگ بشما دارم یکی راجع  
بحکومت نظامی و یکی هم راجع به انقادی این تصویب  
نامه ای است که صادر کرده بودید این دلیل بر تزلزل  
حکومت شاست من شخصاً حکومتی را می خواهم  
که تزلزل رأی نداشته باشد اگر شما از آن تشنجید که برای  
امنیت کشور حکومت نظامی اعلام بکنید بچه دلیل  
آمدید لاف کردید ؟ شما در این مورد بازی پارلمانی  
کردید اگر شما مسلط بر اوضاع بودید چرا حکومت  
نظامی کردید اگر آنرا برای امنیت مملکت لازم می  
دانستید چرا برای بازی پارلمانی آنرا لاف کردید ؟  
اگر امروز بزنند کسی را بکشند شما شخصاً مسئول  
هستید برای اینکه آن حربه را از دست دولت گرفتید  
چرا حکومت نظامی را اعلام کردید و اگر لازم میدانستید  
چرا آنرا لاف کردید ؟ اینها دلیل تزلزل یک دولتی  
است که پروگرام ندارد دولتی که پروگرام ندارد امروز  
بدر این مسألت نمی خورم عرض کنم آقا شما آمدید  
و تصویب نامه صادر کردید و بنده را صدورش را منع  
کردید بعد برای اینکه دوفتر گفتند صدورش را آزاد  
کردید چرا کردید آقا ؟ چرا منع کردید چرا بدون  
مطالعه کردید ؟ مگر دولت هم بدون مطالعه کار می



کند؟ یعنی چه؟ اینکه خوشی نیست آقا در اینجا که ما با خانه خودمان بازی نمیکنیم با مقدرات یک ملت بازی میکنیم اینها تأیید دارد در وضع اقتصادی مملکت این موضوع تأثیر دارد رزم آرا چهاردهم در یکماه آمد و تغییر نرخ ارز داد او خیال می کرد این بازیچه است آقا این اقتصادیات مملکت بود که او را آورد به این روز نشاند آقا با این کارها که نمیشود سرسری بازی کرد آقا ضیاءالملک امروز من تصویب نامه صادر میکنم فردالغوش میکنم اینها مسخره است شما باید بدانید در این ایام بحرانی دنیا چه میخواهد بکنید مملکت را چطور میخواهد اداره بکنید چه راهی را میخواهد و بایستی در پیش بگیرد اینرا باید تشخیص بدهد چه من موافق باشم و چه مخالف باشم باید بیاید و اجرا بکنید بگوئید اگر به من رأی نمیدهید میروم این چه وضعی است دنیا در حال بحران است اگر بنا باشد که شما هم بچه بازی را مثل مرحوم رزم آرا در این مملکت اجرا بکنید ما هائیمان معلوم است اما من خواهش میکنم آقا عیاله من در جلسه خصوصی که تشکیل شد شما عرض کردم جناب عالی باید یک رئیس الوزرای پارلمانی باشید اگر اکثریتی دارید باید با این اکثریت تماس بگیرید باید رأی آنها را مورد مطالعه و دقت قرار بدهید با یک صف خاصی شما نباید (کمیترین) داشته باشید اگر این را مایل نیستید ما را خودتان را بیخود معطل کردهاید ولی اگر میخواهد حکومت کنید و با پارلمان کار کنید باید با فرد فرد و کلا و نمایندگان که طرفدار شما هستند تماس داشته باشید

**۴- بیانات آقای فقیه زاده بعنوان**

**ماده ۱۶۷ آئین نامه)**

**رئیس -** وارد دستور میشود  
**فقیه زاده -** بنده طبق ماده ۱۶۷ اظهار نظامنامه ای دارم اجازه میفرمائید  
**رئیس -** بفرمائید  
**فقیه زاده -** یکی از کارهای مهمی که دولت حاضر باید انجام بدهد و بنفع ملت و مملکت است بهداشت و سلامتی مردم است پارسل سمپاشی برای مالاریا در نواحی قزوین و بعضی...  
**رئیس -** آقای فقیه زاده این اظهار شما وارد نیست  
**فقیه زاده -** این اظهار بنده طبق ماده ۱۶۷ است که اگر صلاح اندیشی و یا تذکره داشته باشد در جلسه میتواند تذکر بدهد  
**رئیس -** همه اگر بخواهند تذکر بدهند که نمیشود  
**فقیه زاده -** استدعا میکنم اجازه بفرمائید دو کلمه توضیح عرض کنم  
**رئیس -** بفرمائید  
**فقیه زاده -** سه چهار روز قبل که بنده رفته بودم قزوین به عود انتفاعیام اهل محل تقاضا داشتند که سم پاشی مالاریا امسال هم شروع بشود و این تقاضا را از آقای کبیل وزارت بهداشت و بهداری و شری بعد از مراجعه از وزارت بهداشت و بهداری و شری نوشته اند که اختیار برای این کار فعلاً موجود نیست و این عمل اگر انجام نشود بضرر مملکت است (عدهای از نمایندگان - صحیح است) از جناب آقای نخست

وزیر استعفا میکنم که در تمام کشور و مخصوصاً قزوین دستور بدهند اعتبار آن تأمین شود این قضیه حیاتی را انجام دهند و پیش از این مرضی ندارم  
**شوشتی -** در شمال هم منبسطور  
**(۴- بیانات آقای دکتر مصدق بعنوان ماده ۹۰ آئین نامه)**  
**رئیس -** در جلسه قبل اینجانب آتانی هد که آقای دکتر مصدق طبق ماده ۹۰ خواستند اظهاراتی بکنند حالا توضیحی دارم بفرمائید  
**دکتر مصدق -** قبل از اینکه شروع بفرایض بکنم یک تذکری به آقایان نمایندگان محترم و همکاران عزیزم میخواهم بدهم و آن این است که مجلس شورای ملی البته تصویب نمود که در ظرف ۱۰ روز آقایان نمایندگان پیشنهادات خود را بکمیسیون خاص وقت بدهند (عدهای از نمایندگان - صحیح است) ولی چون بکترین حساب روزی صد هزار لیره ضرر دولت از تأخیر تصمیم کمیسیون است استدعا میکنم که آقایان در صلاح مملکت و در صلاح ملت پیشنهادات خود را تا روز یکشنبه بدهند که روز دو شنبه پیشنهادات مطرح و مذاکره شده و نظریات کمیسیون وقت هر چه زودتر در مجلس شورای ملی تقدیم شود (نمایندگان - صحیح است) و دولت و ملت از این مدتی که مجلس شورای ملی معین کرده است خیلی متضرر نشود (نمایندگان - صحیح است) و بعد مراجع بفرایض که بموجب ماده ۹۰ از مقام ریاست اجازه بعضی فرایض را درخواست کرده ام لازم است عرض کنم که فرایض بنده از مدت آئین نامه البته قدری تجاوز خواهد کرد اگر اجازه بفرمائید عرض کنم و اگر اجازه نمیفرمائید  
**نمایندگان -** کسی مخالف نیست بفرمائید  
**رئیس -** اگر مخالفی نیست بفرمائید اگر مخالفی هست رأی میکنیم  
**فرامرزی -** بشرط اینکه فرقی نگذارد نشود برای هر کس باشد فرقی نکند  
**رئیس -** آقای فرامرزی اگر شما مخالفید بفرمائید رأی گرفته شود  
**فرامرزی -** بنده مخالف نیستم منظوری است که فرقی گذاشته نشود  
**رئیس -** فرقی گذاشته نشده اگر مخالفی باشد رأی گرفته میشود  
**دکتر مصدق -** خیلی متشکرم که بخودتان زحمت رأی دادن ندادید و بنده شروع میکنم بیاناتی که در جلسه قبل مجلس شد قسمتی از آن حقایقی بود که هیچکس نمیتواند آنها را انکار کند و در قسمتی که راجع بدخالت جناب آقای عیاله اظهار شده توضیح میدهم که در مقدمات کار قرار داد ۱۹۳۳ ایشان دخالت نموده اند ولی من بفرمودم اگر ایشان نتوانستند از حقوق ملت ایران دفاع کنند ملت این بوده که نیتاً مستند ملت از عدم اجرای قرارداد اداری همان قراردادی که همیشه با آن مخالف بوده چندین بار شده است  
**گسائیکه** انتظار دارند هر کسی بدون مطالعه نظریات دقیق اظهار کند برخلاف عقل و منطق است و کار استفراحت معادن نفت جنوب کار است که هیچکس صلاحیت این را ندارد که بدون مطالعات دقیقه و

اطلاعات کافی بتواند کوچکترین اظهاری بکند . البته میتوان با آقای عیاله این ایراد را نمود چرا حاضر شدند بدون مطالعات کافی مأموریت دولت را قبول کنند ولی همه میدانند که هر کس در دوره دیکتاتوری متصدی کار بود نمی توانست از امر دولت تغلف کند .  
 چنانچه ایراد بایشان وارد باشد که چرا دفاع از نمایندگان را بعهده گرفته اند گناه آقای تقی زاده مافوق حد تصور است چونکه ایشان از حقایق کاملاً مطلع بودند ولی بوظیفه خود عمل نکرده اند  
 بعد از انقضاء امتیاز دولت انگلیس با دداشتی به دولت ایران نوشت و متذکر شد اگر در ظرف یک هفته مراسم خود را در خصوص انقضاء امتیاز نکنند موضوع در دیوان داوری بین المللی لاهه مطرح میشود ولی چون با استناد ماده ۳۶ اساسنامه صلاحیت آن دیوان شامل اختلافاتی بود که طرفین آن رجوع کنند و دولت ایران که مراجعه نکرده بود دیوان داوری نمی توانست در حل اختلاف وارد شود و تصمیمی اتخاذ نکند  
 لذا دولت انگلیس با استناد ماده ۱۰ اساسنامه جامعه ملل که هر وقت اختلافی بین اعضای جامعه روی دهد و بعضی برسد که منجر بقطع روابط شود شورای جامعه باید دخالت کند بجامعه ملل مراجعه کرد  
 ولی آقای تقی زاده وزیر مالیه که مسئولیت کار را مستقیماً و قانوناً بعهده داشت و از امور بین المللی هم کاملاً مطلع بود بواسطه سازش با کمیانی نفت مخالفت نمود و اعتراض نکرد که جامعه ملل در اختلافی که یک طرف آن شرکت نفت باشد نمی تواند دخالت کند  
 سلطان وقت هم بهر جهتی از جهات با نظریات دولت انگلیس موافقت نمود و مرحوم داور و جناب آقای حسین عیاله را که سابقه ای از نقشه کار نداشت برای دفاع از نمایندگان قرارداد مأمور جامعه ملل کرد  
 آقای بنش نماینده چک اسلواکی در جامعه ملل که میخواهم او را دلال معامله معرفی کنم چهارماده تنظیم نمود که ماده اول آن این بود  
 «طرفین موافقت نمودند که موضوع را تا جلسه ماه ۱۹۳۴ در شورا مسکوت بگذارند و در صورت لزوم در تمدید موافقت نمایند» و باین ترتیب مقدمات کار تمهیداً فراهم کرد  
 و اینکه جناب آقای تقی زاده در نطقی که در مجلس ۱۰ ایراد کرده و گفته اند  
 «من شخصاً راضی بشدم مدت نبود بودیگران هم نبودند و اگر قصوری در این کار یا اشتباهی بوده تقصیر آلت فعل نبوده بلکه تقصیر فاعل بوده که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست بر گردد او خودم راضی بشدم مدت نبود در بدو اظهار این مطلب از طرف حضرات رو بروی آنها بتجاشی و وحشت گفت عجب این کار که بهیچوجه عذنی نیست میخواهد که ماسی سال برگذشتگان برای این کار لغت کردیم پنجاه سال دیگر مورد لعن مردم و آیندگان بشویم ولی عاقبت در مقابل اصرار تسلیم شد» خلاف محض است چون هم در جامعه ملل قرار شده بود امتیاز شرکت نفت تمدید شود هم چند سال قبل از تمدید

بر طبق مکاتباتی که با مرحوم تیبور تاش نموده اند از نظر کمیانی راجع بشمد مدت مطلع بوده اند که برای استحضار ملت ایران آن مکاتبات هیناً قرائت می شود  
 ۱۹ آذرماه ۱۳۰۸  
 دوست محترم و معظم پس از تقدیم سلام خالصانه و تجدید مراتب ارادت صمیمی آنکه قدری تردید داشتم در اینکه مطلبی را که در ذیل میخواهم عرض کنم بطور رسمی یعنی بوزارت چلیبه دربار پهلوی عرض کنم یا بطور خصوصی و غیر رسمی بخود حضرت عالی ولی پس از تأمل بجتهائی مصمم شدم که شق دوم را اختیار کنم  
 مخصوصاً در باب مذاکرات راجع بامتیاز نفت و تمدید آن و شرایط آن و حسابهای نفت و دلایل طرفین و منظور هر کدام از آنها یک کلمه هم اطلاع بدست مخلص نرسید جز آنچه بطور تصادف از کسی حرفی شنیده میشد یا از تلگرافاتی که آقای میرزا عیسی خان فیض مجبوراً برای رمز کردن به سفارت می فرستد و جواب آنها با رمز می آید و از قرائن مندرجات آنها چیزی بطور حدس و قیاس استنباط میشود حتی صورت پروژه قرارداد را که در نظر بوده برای تمدید امتیاز منعقد شود تا امروز ندیدم و البته تصدیق خواهید فرمود که مقتضی هم نبوده که خود مخلص پیش آقای فیض رفته در باب چیزی که خود دولت در آن باب باینجناب اطلاع نیاده و یکسی که او را واسطه آن کار قرار داده اند هم حکم نفرموده اند مرا از سابقه امر و جریان کاملاً مستحضر بنمادند  
 ضمناً باید عرض کنم که ما کلین تک ارتباطی با گلبانگیان دارد گویا آنها اورا بدولت ایران معرفی کرده اند و در این اواخر گلبانگیان یعنی پسر گلبانگیان پاریس که در لندن خود را آتاشه انتقاری مالی سفارت میدانند مکرر پیش اینجناب آمده و در تأیید منظورات کمیانی نفت «انگلیس و ایران» در مسئله تمدید امتیاز حرف زده یک روز هم ما کلین تک را برای بیان دلایل خود در آن باب پیش من آورد و ما کلین تک در پیشرفت منظور کمیانی با همان شرایط که میخواهند علاقتند بنظر آمد و میخواست بن ثابت کند که پیشنهاد کمیانی عایداتی بیشتر از عایدات حالیه دارد و چنان بطور سادگی این مطلب را بیان میکرد مثل آن که کمیانی با همان امتیاز سابق و بدون هیچ تقاضای جدیدی میخواهد با بیشتر منفعت بدهد و مقبول نیکنیم و تناسب اضافه منافع را با آنچه کمیانی از دولت ایران در عوض میخواهد منظور نیداشتند در صورتیکه حالاً واضح شده که بواسطه مساعی مشترک که از طرف تمام علاقه مندان در نفت که در موقوف داشتن رقابت در فروش نفت در تمام دنیا و تمدید محصول بعمل می آید هر کس که منابع نفت را بمعنت درازتری در دست داشته باشد و بتواند کمتر در پیار و و گرانتر بفروشد کوی سبقت را زوده است لهذا کمیانی نقش جنوب علاقتی زیادی بشمد مدت دارد و قیمت موافقت میدارد این پل نیست بنظرو او هم باید بالطبع تابع قانون طبیعی اقتصادی عرضه و تقاضا باشد و حق حاکم نیست ایزانی از دست ندیم زیرا که تمام

دولت تزیاید کرد منظور ما بهتر حاصل میشود زیاده مرضی ندارد جز تکرار مراتب ارادت صمیمی  
 حسن تقی زاده  
 (اسلامی - اینها بسیار مهم است اینها را لطف بفرمائید در روزنامه ها منتشر کنند تا ملت ایران مطلع شود)  
 و بنا بر این آقای تقی زاده خوب می دانستند که از نمایندگان قرارداد مقصود این نبود که دست کمیانی نفت کوتاه شود بلکه این بود که قرارداد تمدید شود و من تصور نمی کنم که حتی امروز هم جناب آقای عیاله بطوری که لازم است از کتبه مطلب مستحضر باشند بنا بر این نسبت جرم خیانت بایشان دور از انصاف است (عدهای از نمایندگان - صحیح است) چونکه این نسبت را یکسی می توان داد که در ارتکاب جرم قاصد و باصطلاح جزایون دارای (انتانسیون کویا بل) intention coupable باشد و مرتکب جرم هم شده باشد و تنها تقصیری که می توان برای ایشان شمرد این است که بنظریات آقای تقی زاده اهمیت زیادی ندهند (آشتیانی زاده - و هنوز هم میدهند)  
 کما اینکه وقتی من در خصوص نمایندگان حکومت نظامی بایشان داخل مذاکره شدم فرمودند در صورتی که مثل تقی زاده کسی با آن موافقت نموده باشد شما چطور عقیده دارید که حکومت نظامی برخلاف مصالح مملکت است  
 و وقتی اظهارات من را نسبت به هویت آقای تقی زاده استماع نمودند مهوت شدند و حرفی نزدند و امیدوارم که در ایشان مؤثر واقع شده باشد  
 معروف است که مرحوم حاج میرزا جواد مجتهد تبریز که با اینجناب قرابت داشت نسبت باخلاق مرحوم ولینهد (مظفرالدین شاه بعد) اینطور گفته اگر ولینهد شر را به پیشکاری خود انتخاب کند از یزید بدتر است و اگر سلمان را به پیشکاری انتخاب نمود در حکم پیغمبر است  
 حال عرض میکنم که اگر جناب آقای عیاله آقای تقی زاده را مشاور خود قرار دهند قادر نخواهند بود کوچکترین خدمتی باین مملکت بد بخت بکنند ولی اگر باشعاف خیرخواه و خدمتگزار مشورت کنند نام یک خود را در صفحات تاریخ ایران ثبت میکنند  
 بیجهت نبود که در زمامداری رزم آرا این جانب بکمیسیون نفت پیشنهاد کردم برای تسویه حساب دولت با کمیانی کمیونی از نمایندگان مجلسین انتخاب شود چون که پیش بینی میکردم اگر دولتی روی کار بیاید که عیالی نا کرده با آقای تقی زاده مشورت کند سازش کمیانی با یک نفر رئیس دولت سهل و میسر است البته از این پیشنهاد تصور نخواهند کرد که من یک نظر شخصی داشته ام چونکه در این جلسه عمومی که نمایندگان محترم و هموطنان عزیزم حضور دارند عرض میکنم اگر مجلس شورای ملی مرا بصورت کمیسیون انتخاب کند بواسطه خستگی و ضعف مزاج نمی توانم آن را قبول کنم  
 اکنون باید دید از اینکه من اظهار کرده ام یا جناب آقای عیاله صلی سال است دوستی دارم چه ضرری متوجه مملکت شده است (حاذقی - هیچ چیز)  
 من با ایشان سالها دوستم و از این صراحت خود ندامت حاصل نمیکنم چون که ایشان مردی هستند

فعل خیرخواه متواضع و دمکرات منش و در هر کاری که وارد شده اند آن را جدی تلقی نموده و کار را برای امرار ماش و تحصیل مقام قبول نکرده اند (عدهای از نمایندگان - صحیح است)  
 ایشان مردی هستند صمیمی و راستگو اگر اندک سوء نظری داشتند هرگز اقرار نمی کردند که در بر فراری حکومت نظامی آقای تقی زاده آنطور اظهار کرده اند و ایشان بنظریات آقای تقی زاده اهمیت فوق العاده داده اند  
 و باز هم اظهار میکنم که دوستی من ارتباطی با امور سیاسی ندارد چونکه ممکن است یک پدر و یک پسر هر کدام در یک حزب مخالف عضویت قبول کنند ولی در خانه علائق پدری و فرزندی خود را حفظ نمایند نمایندگان اقلیت با کار خوب دولت موافقت و از آن تجبیه میکنند همچنانکه در موقع قرارداد تجارتمی شوری و ایران از رزم آرا تشکر کرده اند و از کار بد در دولتی هم تنقید و با آن مخالفت مینمایند از اینکه من ملت موجه دولت نبوده و توانستام نظریات جبهه ملی و همکاران عزیزم را برای استخلاص هدیه زیادی از مردم بیگناه علی کنم و آنها را از دست حکومت نظامی که دشمن آزادیست خلاص کنم خوشوقتم حکومت نظامی که برای دوماه اعلان شده و ممکن بود با زمینه سازی تمدید و همیشه برقرار شود تا آنهایی که میخواهند از بیت المال مسلمین سوء استفاده کنند متخالفین خود را بوسیله حکومت نظامی دستگیر و زندانی نمایند با توجهات این دولت از بین رفت و ابلاغ نظریات اقلیت با آقای نخست وزیر که از وزیرای سابق در این دولت وارد نشوند به نتیجه مطلوبه رسید بدیهی است که نباید تمام آن وزرا را یک چشم نگاه کرد چونکه بین آنها چند نفری بودند که با تصمیم دولت مخالف بودند و استفهام دادند ولی بواسطه این که تجریات سیاسی آنها کم بود و اخراج فرور و وزیر دارائی از دولت سبب شد که اغفال شوند در صورتیکه فرور عضو دولت بود و چون رئیس دولت دفاع از قرارداد مساعد و کسی را بعهده گرفته بود از نظر مسئولیت مشترک کمیابست با اخراج فرور قناعت نکنند از کار کناره جوئی کنند  
 من باینجهت از دولت عیاله سیاستگذاری کرده ام که هر دولتی قیاز ایشان حاضر نشود تصمیم خود را در خصوص حکومت نظامی انشاء کند و در صورت عدم موافقت مخالفت جبهه ملی سبب میشد که دولت ساقط شود و در این موقع که هر ساعتی برای مملکت ارزشی فوق العاده دارد بحرانی ایجاد شده و بدهم دولتی بهتر از ایشان تشکیل نشود  
 من ناچارم که این حقایق را از پشت این تریبون بیسم ملت ایران برسانم که محتمل است اگر کابینه عیاله ساقط شود کابینه قوام السلطنه یا کسی مثل او زمامدار شود کاری که ما هیچوقت نمی توانیم با آن موافقت کنیم چون که قوام السلطنه و امثال او کسانی هستند که هیچوقت بوئی از آزادی بشماشان نرسیده است و قوام السلطنه همان کسی است که در انتخابات ایران متهاجره در تبریز بکاربرد و در انتخابات اکثر ولایات از معا که سهیلی و تدین درس گرفت و تجربه آموخت و سندی بدست نداد و با زرسانی انتخاب نمود که دستور داشت خود را با آنها شام بدهم و در از حقوق خود محروم کرد  
 قوام السلطنه همان کسی است که در خلاف صریح



قانون قرار شرکت نفت ایران و شوروی را امضاء کرد اگر نظرشان این بود که مجلس ۱۰ آن را الفاه کند کاری بوده که برخلاف نزاکت بین المللی مرتکب شده اند و معلوم نیست چه اطمینانی داشتند که اوضاع و احوال تغییر نمیکند و موازنه سیاسی بنفع دولت شوروی برقرار نشده و قرار ایشان در مجلس شورای ملی تصویب نشود و اینکار برخلاف نزاکت بطوریکه در بعضی جرایم نوشته اند سبب شده که از ماده میلیون دلار خسارت مطالبه کنند.

و چنانچه مقصود قوام باین بوده که استخراج نفت شامل هم از نظر سیاست موازنه مثبت بدولت اتحاد جماهیر شوروی داده شود این کار یک خیانت مسلمی بوده که ایشان نسبت بایران یعنی کشوری که در آن گوشت و پوست و استخوان او پرورش یافته مرتکب شده است

جبهه ملی میگوید که صنعت نفت باید در سراسر ایران ملی شود تا موضوع دخالت شرکت نفت و اعمال نفوذ آن از بین برود و بنا براین تشکیل شرکت نفت مختلط در شمال ایران سبب میشد که دولت شوروی هم با ما همان معامله ای که شرکت نفت انگلیس میکند بکنند من از آقایان نایبندگان محترم استعاضه میگویم توجه کنند مملکتی که در نصف آن دولت انگلیس و در نصف دیگر دولت اتحاد جماهیر شوروی دخالت کند کجا مستقل است و در چنین مملکتی چطور ممکن است پایه زندگی مردم بجائی برسد که در دولت مرفعی ساکنین آن رسیده اند نظریات جبهه ملی اینست که شرکت نفت از ایران برود تا دست بیگانه در سیاست این مملکت قطع شود و دولت ما صد درصد ملی تشکیل شوند ولی متأسفانه بعضی ها که نخواستیم از آنها اسمی ببریم طالب این هستند که بعد از این دولت قوام و یاد دولتی مثل او تشکیل شود و از فروش جواز و دادن ترفیحات بدون موقع و استعانت سوء استفاده کنند.

و این رویه سبب شده که در این مملکت مدهم رضایت روز بروز شدیدی تر شود و توسعه پیدا کند و کونینم قائم مقام آزادی شود و پرونده قطور آقای قوام راجع بفروش جوازها که در مجلس مانده است اجرا نشده و ایشان دچار عواقب عوم افعال خود میشوند.

آقایان محترم! اشای کسانی که میتوانند برایش من قضاوت کنید توجه کنید که من در این جلسه چه عرض میکنم و حواس خود را جمع کنید بآنچه که فقط از نظر غیر خواهی عرض میکنم عمل کنید.

ما میگوییم که ایران جز از طریق دموکراسی و غیر از عدالت اجتماعی با رویه دیگر اصلاح و اداره نمیشود آیا با تشکیل دولتی مثل دولت قوام این نظریه تأمین میشود (دکتر هدایتی - هیچوقت)

آقایان نایبندگان و مردم حساس و وطنپرست آياشا را بشنویید که یکبار دیگر کسی زمامدار شود و اعضای موقت جامعه را بوسیله جوازهای نامشروع و کالاهای متنوع الورد طلیح کنند مردم حساس و وطنپرست را که در ادارات دولتی هستند تهدید کند تا اینکه شرکت نفت کلبایی حاصل نموده و آرزوی ملت ایران عملی شود.

آیا بعد از امر از چنین موقعیتی شرکت نفت اجازه خواهد داد که در دوره ۱۷ یکی از شما نایبندگان که وقتی شرکت نفت داده میشود مجلس شورای

البته مخالفین این دولت ظاهرأ نظریه غیر از سقوط آن ندارند ولی باید شما مردم این مملکت بدانید که نتیجه قهری سقوط این دولت تشکیل دولت قوام یا دولتی شبیه آن میشود که حضرت آیت الله کاشانی را در راه مسافرت واز منطقه ای که حکومت نظامی اعلان نشده توقیف و تبعید کنند

من از آقایانی که با این دولت مخالفت می کنند استعاضه می کنم بفرمایند که بعد از سقوط این دولت چه کسی را میخواهند مصادره کار کنند (آشتیانی زاده خود حضرت مستطاب عالی را) اگر بگویند چاهی نکنند ایم و منار را دزدیده ایم در درایت و عقل آنها تردید میکنم اینکه بعضی ها میگویند باین جانب تشکیل دولت بدسم آیا دخالت ۵۰ ساله شرکت نفت در این مملکت اجازه خواهد داد که من و امثال من دولتی تشکیل دهند و موفقیتی در کار پیدا کنند

اگر این کار شدنی بود در این چند سال اخیر میشد پس این بیانات فقط برای این است که من مردم را اغفال کنم و خوش بختانه ملت ایران و من هیچوقت اغفال نشده ایم و از خداوند متعال مسئلت دارم که باز ما را از شر این شیاطین حفظ کند (نایبندگان - انشاءالله)

این ها بود نظریات جبهه ملی و علت مدارای اقلیت با این دولت و یکبار دیگر در حضور آقایان نایبندگان و رئیس و اعضای محترم دولت هر گونه دخالت جبهه ملی را در تشکیل این دولت تکذیب میکنم جبهه ملی دارای این شجاعت هست که اگر قرار بشود در حکومتی شرکت کند ملت و مردم را از چگونگی امر مطلع و مستحضر کند و نشان داده است که تا امروز هیچوقت کرد سیاست اغفال و فریب نکرده و چنانکه کسانی برای حمله بنا مأموریت دارند باید بدانند که ملت ایران با اظهارات آنان ارج و ارزشی نمی دهد (نایبندگان - احسن احسن)

رئیس - هم آقای مکی و هم آقای آشتیانی زاده بعنوان ماده ۹۰ اجازه خواسته اند صحبت کنند هر دو نفر آقایان بگذارند بمانند برای جلسه بعد نوبت آقایان محفوظ خواهد ماند برای جلسه بعد

**(۵- طرح برنامه دولت آقای علاء قضاوت وزیر)**

رئیس - برنامه دولت مطرح است . آقای اریاب .

مهملی اریاب - مجلس خسته نیست (حاذقی - این حرفها چیست مجلس خسته نیست کدام است) بنده حرفی ندارم .

رئیس - آقایان توجه کنند طوری بیرون تشریف ببرند که جلسه از اکثریت نیفتد .

اریاب - بنده با اینکه امید ندارم آقایان حوصله بکنند و برایش بنده توجه کنند تا آنجا که وقت مساعدت می کند سعی میکنم هر ایشورا بطور خلاصه عرض بکنم با توجه بنذا کراتی که شد معلوم شد که از دولت دفع هر مشکلی را می خواهم که رفع هر می ترسین را بکنند و هر اقدام مفیدی را بکنند اما از آن طرف فرصت بدولت داده نمی شود پای دولتی را می بندند و می گویند تند برو این میر نیست در جلسه قبل صحبت این جانب به اینجا منتهی شد که در وضع امنیت قضائی صحبت می کردم و عرض کردم بکنفر سرهنگ اوتش (فلا رضا) بفرمایند . اوتش بفرماید بکنفر (اوتش ملک مردم

را باسند عادی با امضاء خودش ببرد می فروشد و هر مأموری که برای تعقیب قضیه مأمور شد با او شریک عمل شد و هیچ دستگامی نبود که این موضوع را تعقیب کند و تقاضا کردم از جناب آقای وزیر دادگستری که این موضوع را جدا تعقیب بفرمایند و خواهند فرمود بار دیگر توضیح میدهم که هر ایشی را که بنده می کنم نسبت بمشکلات موجود است نسبت به بی ترتیبیهای حاضر است و برای تذکر بدولت است نه در اطراف این دولت (کشاورز صدر - آقای رئیس لطف بفرمایید و ایشان هم تذکری بدهید)

به بنده تذکر ندهید آدم یک حقی دارد در حدود آئین نامه باید صحبت کند اگر آقایان حوصله ندارند آن حرف دیگری است بهر حال برویه ای که خلاف اصل مالکیت و خلاف اصل الناس علی (قبه زاده و شوشتری - الناس مسلطون علی اموالهم) در چنین وضعی نمی توان گفت امنیت قضائی مفهوم دارد و نیز عرض کردم توجهی نسبت بداد گاههای اختصاصی بشود تا نتوانند بنام دولت تهدید بکنند قاضی را و حقی را تصبیح کنند قضیه دیگری که در این سفر بلوچستان به آن برخوردیم این بود که قبل از عرض مطلب محتاج می دانم ایشرا عرض کنم که برخلاف انتظار بنده یکی از ادارات منظم . . . (جلسه از اکثریت افتاد)

رئیس - تأمل کنید آقای اریاب با اینکه تابلو گذاشته شده آقایان توجه نمی فرمایند بگویند آقایان بیایند . . . (عده برای مذاکره کافی شد)

اریاب - عرض می کردم برخلاف انتظار یکی از دوائر منظمی را که بنده در بلوچستان دیدم اداره زاندارمیری بود و حقیقه دیدم که وضع زاندارمیری بلوچستان تغییر فاحشی کرده است افسرانی که در آنجا هستند افسر بسیار وظیفه شناس هستند که در مدت مأموریتشان یکریال سوء استفاده نکرده اند آنها یک دلتنگی و تکرانی داشتند که دیدم درباره آنها هم . . . (جلسه از اکثریت افتاد)

رئیس - آقای اریاب متأسفانه باز اکثریت نیست تأمل بفرمایید . . . (عده برای مذاکره سکافی شد) بفرمایید . . .

اریاب - یک افسری در یازده سال پیش در یک قضیه ای او را بنام مطلع دعوت می کنند شهادت بنده این نام او می رود در پرونده بنام مطلع و آقایان قضات می دانند که مطلع مجرم نیست یک امری صادر شده که افسرانی که دارای پرونده هستند با شرط اینکه ادعای نام بنام آنها صادر شده باشد ترفیحات یا ترفیع آنها را توقیف کنند این بدبخت یازده سال قبل بنام مطلع دعوت شده است قرار می علیه او صادر نشده حکمی علیه او صادر نشده بجای اینکه او را که در یک منطقه ای با آن شرایط سخت زندگی می کند درجه اش را بهش بدهند سرگردی پیش نیست تحت این عنوان درجه او را توقیف کرده اند و دیگری هم برای اینکه دزد در خانه اش آمده است و دزد شکایت کرده است که مرا کتلت زده اند من نمی دانم مگر برای دزد باید شربت به لیو تهیه کرده و اینها البته در سردهائی است که نباید اینطور بشود اگر بایستی درجهها در مقابل این حرفها توقیف بشود باید درجه سرتیپها و سرهنگها هم توقیف بشوند تا آن افسر بیچاره ای که ترفیحات کافی ندارد و تکراری کمی خواسته ام عرض هیئت محترم بدولت بفرمایند برای این

ولایات کمتر با طرف و اسکناف بازرسی می رود که حق مردم را حفظ کند و حق دولت را حفظ کند یا بی ترتیبی را اصلاح کند اعزام بازرسی خرج مردم را بیشتر سنگین میکند چون حالا بر خورده اند که حمل خوب و بد فرق ندارد این است که آنها هم میروند و شرکت میکنند طوری عمل می کنند که بعد از اینکه بازرسی او را ترفیحات بدهند که گوازی خوبی هم داد از نو شروع می کنند و هر چه میخواهند می کنند این را می خواستم تذکر بدهم که اعزام بازرسی هم دردی را دوانی کند صدی هشتاد خرج مردم را زیاد میکند اما موضوع اقتصاد کشور که خواهش نمودم آقای دکتر مغفم یک تندی توجه بفرمایند موضوع اقتصادیات کشور هر چه آزادی عمل در حدود قانون و مقررات بدهند البته مملکت بیشتر بسوی سمداد می رود و یک فرمایشی اینجا جناب آقای امامی فرمودند که بقیه بنده دور از انصاف بود بدولت آمده اند گفته اند که پنجاه هزار نفر کارگر بیکار می شود دولت هم متوجه نشده است که صاحب کارخانه بایستی تهیه مصالح مصرف کارخانه را کرده باشد دولت هم بیخیال خودش آمده یک تصویب نامه ای صادر کرده بعد بر خورده است باین که وضع مملکت را بدبختی میکشاند و لطفه بزرگی است به صادرات کشور می خورد که اینک کسانی که میخواسته اند پنه کار را توسعه بدهند بعد از صدور این تصویب نامه همه منصرف شده اند و آقایان توجه کرده اند که در اغلب ممالک مرفعی خودشان را برای یک کالائی برای منسوجات برای مصنوعات در مضمینه قرار میدهند ولی توسعه میدهند صادرات خودشان را حتی صدی چهل و صدی پنجاه قیمت صادرات ارز تر است با قیمت کالائی که در خود کشور مصرف می شود و ما باید با بقل و وضیعت خودمان توجه کنیم باین که از سرمشق دیگران استفاده کنیم در این موقع دولت با انصاف متوجه شد که این کار بنفع مملکت نیست تعصب بخرج نداد استبداد بخرج نداد تصویب نامه را لغو کرد و بی نهایت از این عمل دولت بنده سیاستگذارم از این جایی نظری وی طبعی دولت معلوم می شود دولت دمکرات این است . . .

رئیس - آقای اریاب قدری تأمل کنید اکثریت نیست (پس از لحظه ای اکثریت حاصل شد) آقای اریاب بفرمایید

مهملی اریاب - موضوع دیگر که در امر اقتصاد بسیار مؤثر است موضوع تشریفات ارز است در این تشریفات باید تجدید نظر بشود تشریفات کنونی مانع توسعه صادرات و تولید در کشور ما است اجمالا عرض کردم و عرض مفصل را موقوف باین می کنم که در وزارت اقتصاد ملی باستحضار آقای دکتر مغفم برسانم صل دیگری که باز در امور اقتصاد کشور خیلی مؤثر است موضوع مالیات های مستقیم است که آنها با این صورتی که صل میشود بجز آنه مملکت چیز زیادی ولود نمی شود و ممکن نیست باین وضع کنونی دستگاه وصول را بطوری اصلاح کرد که موجب رضایت خاطر مالیات بینچ سال اخیرا در نظر گرفت و ترتیبی ایجاد کرد که هر مؤدی مثل این که پول برود میباید آخر

بتواند جنس صادر کند و وارد کند در دفاتر ثبت که معامله میکند تا این تصدیق نداشته باشد معامله او را ثبت نکنند و باین ترتیب دریافت مالیات هیچ خرج وصول نخواهد داشت این بنفع مملکت است و بنفع خزانه است (شوشتری - آقایان همی نمی شود فقرا میدهند) و دیگری صلی که در اصلاحات کشور مؤثر است یا مقدر و ممکن است قطع تماس مردم بامأمورین است هر چه مأمور بیشتر با مردم تماس حاصل کند فساد بیشتر است (شوشتری - صحیح است) و اگر توجه کنید بگذشته مدارک آنها هم همه روزه هزاران در دستتان خواهد آمد تقاضای دیگری که از دولت داشتم این است که دولت سابق اگر یک کارهای خوبی کرده است توجه کنید و تعقیب کنید یکی لایحه تشویق صادرات است که از مجلس مناهم گذشته دولت اقدام کند در دستور قرار بیکر تعقیب کند تا تصویب برسد که بسیار مفید است دیگر لایحه بهداشت عمومی است که آقای دکتر جهان شاه صالح بمجلس تقدیم کردند باین یکی از بهترین لوازمی است که در عمر وزارت بهداشتی بمجلس آمده است (صحیح است) می نیخواهم اینجایک توضیحات بیشتری بدهم آقای دکتر نفیسی را میدانم مورد علاقه همه آقایان هستند بخصوص مورد کمال علاقه بنده هستند و تا ایشان مصدر امور بهداشتی و متصدی وزارت بهداشتی باشند بنده راضی و خوشنود هستم اما اگر قرار بر این شد که باز یک کمکی برای آقای دکتر نفیسی بفرستند بقیه بنده مابهر از آقای دکتر جهان شاه صالح ندارم ایشان از بهترین وزرای بهداشتی است که آمده است در مرحله اولی من معتقدم که وزارت بهداشتی را خود جناب آقای دکتر نفیسی اداره کند این برای احتیاط است دیگر لایحه ارتباطاتی بود که وزارت پست و تلگراف تقدیم کرده است (ناصر ذوقفقاری - اصلاحات سانسور بود کاغذهای مردم را سانسور میکردند) آنچه که مربوط بسانسور بوده است لایحه ای بمجلس نیامده است آن لایحه ای که بمجلس آمده است راجع بامر تلگراف و تلفون و اصلاح امر مخابرات بوده است حالا دولت یک وضع بهتر دیگری بیآورد توجه بکنند بهر حال موضوع مخابرات و وضع دستگاه مخابراتی در ولایات یک صورت اسف انگیزی در آمده نظر بنده این بود که باین صورت در نیاید

(مخبر فرمند - آن لایحه اصلا یک چیز بی معنی بود یک تبلیغات بیخودی بود) دیگر لایحه برنامه پنج ساله راهسازی بود که آن هم در دستورات و اگر آقایان مفید میدانند دولت تجدید نظری بکنند (ارولان - بکسیوسون رفته چطور تجدید نظر بکنند) دیگر بستختمین دون پایه مقداری زمین یوسف آباد داده شد این بیچاره ها امروز ما نشان مختل است چه برسد باینکه یوز تهیه کنند خانه بسازند توجه دولت را جلب میکنم که در این قسمت یک شالوده بریزند که اینها بتوانند دارای خانه بشوند اما وضع عمومی بلوچستان آنکه لباس دارد این طور است که در این چند قطعه مکتس دیده میشود (عکسهائی ارائه دادند) و آنکه هم لغت است که معلوم است چطور است بلوچستان دارای یک بندر چاه بهاری است که در تمام مرزهای ایران نظیر ندارد این بندر اگر بداخل مملکت راه داشته باشد موجب احیای

بلوچستان و حتی خراسان قسمت مهم کشور است این بندر راه ارتباط ندارد فقط چیزی که باوضانه کرده اند ادارات متعدد مرزبانی زاندارمیری گمرک و فرمانداری و غیره و هر چه بخواهید آن وقت بین این آقایان هم اختلاف است رئیس شهر بانی رئیس دارائی را دست بند میزند میبرد توی شهر بانی توقیف میکند برای یک اختلافات خصوصی و برای اینکه ارتباطات راه نیست و دستگاه مخابرات هم نیست کسی نمیتواند که باین ها رسیدگی بکنند مضافاً باین که یک مرکز صادرات و واردات ما چاه بهار است و آنچه بودجه تهیه شده برای راه چاه بهار بنده نمی دانم کجا خرج شده است من که این سفر رفته ام جانی را ندیدم که مصرف این بودجه ها میشود باشد و حتی بلوچهای بدبخت و گرسنه دست زده های ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ آنها مانده است که جلو بنده آمده بودند و معلوم نیست که وزارت راه چرا دست زده های این ها را نمیدهد یک بلوچ بدبختی که می رود عملی می کند با روزی هیجده ریال چرا باید برضه نویسی کند و حرف او بجائی نرسد من تئنی میکنم از جناب آقای وزیر راه که بامور بلوچستان سوابق ممتدی هم خودشان دارند و همیشه زحمانی برای حفظ انتظام آن ناحیه شخص آقای سر لشکر ارفع کشیده اند و آشنا بوضع آن منطقه هستند توجهی بفرمایند و در این موقع حق سابقه را اداء بفرمایند در چاه بهار بعلت نرسیدن حقوق یک مأمور راه گدائی می کرده است جناب آقای وزیر راه این بدنا است در انتظار استعاضه می کنم توجه بفرمایند مردم آن ناحیه همه هور و گرسنه هستند و نمونه هم مطابق عکسی است که این جا است اینها از پاکستان نمیتوانند جنس بیآورند در داخله هم از این کارخانجات با آنها جنس داده نمیشود قبلا هم عرض کردم که یک شرکتی است که کالای نساجی سازمان برنامه را می فروشد هر طور بدیگری می فروشد خریدار حاضر است که بخرد و برای پوشیدن مردم بدبخت بلوچستان و سایر افراد می رساند بنده خودم در این امر مداخله ای ندارم ولی بیشتر نفع مردم را فدای نفع اشخاص می کنند اداره آمار در بلوچستان هیچ مفهوم ندارد و املاکی نیست که آمار مردم را اصلاح کند در موقع سر باز گیری ای بسا مردم قسمت ساله و هفتاد ساله که دارای عائله زیادی هم هست آنها را میبرند با اداره نظام وظیفه البته اداره نظام وظیفه هم می گوید سند تئنی ازدواج باید بینم در حالی که دفتر ازدواجی آنجا تاسیس نشده است مطابق مراسم بلوچی قاضی و عاقبت آن ترتیبات آنها ازدواج کرده اند و دارای عائله زیادی شده اند الان عائله آنها در بیابان ها سرگردان هستند و خود آنها که دارای شصت سال و هفتاد سال می باشد آنها را می برند نظام وظیفه استعاضه می کنم مخصوصاً از جناب آقای وزیر کشور که بوضیعت آمار بلوچستان توجه کنند یک وضع عجیبی ایجاد شده است آنجا همه در زحمت هستند مرد شصت هفتاد ساله را میبرند نظام وظیفه این وضع که نمی شود یک کسی برود آنجا اصلاح کند وضعیت را (صفوی - آقای نواب مراجه کنند بسیار مرد دقیقی است) اما موضوع بهداشت بلوچستان تئنی میکنم این موضوع را هم توجه بفرمایند یک سازمان بهاری در زاهدان هست که ناقص است یک رئیس بهاری



است جوانی است بسیار خدمت پرست که از منافع مادی گذشته و آمده آنجا این بدبخت هم گرفتار حسابداری وزارت بهداشت است دو ماه است که سرگردان می باشد و کاری برای او باید انجام شود مخصوصاً جناب آقای کفیل وزارت بهداشت هم با آن علاقه ای که بهداشت مردم دارند و بنده باز کمال امتنان خودم را عرض میکنم ایشان از پس این حسابداری بر نیایند این مشکلات هست ولی با تمام بدبختی هایی که من در بلوچستان دیدم یک نقطه ای را دیدم که اگر آن هم نبود حقاً و انصافاً انسان نمی توانست از آنجا عبور کند و آن این است که سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی درمانگاه می در دو نقطه تأسیس کرده است در ایران شهر یک درمانگاهی وجود دارد و خوشبختانه رئیس دارد که یکی از با عاطفه ترین جوانان است بنام دکتر هنجن که شاید جناب آقای نفیسی او را بشناسند این جوان، اشخاصی را که دارای بضاعت هستند میگوید اگر از آن ناحیه - اقدام بگیریم آنهایی که بضاعت ندارند خجالت میکشند به من مراجعه کنند ممکن است یک نفر بیچاره ای در اثر این خجالت از بین برود و بنابراین من از همه صرف نظر کردم و بانهایت فدا کاری مشغول انجام وظیفه است و بنده در اینجا از چنین جوانی تقدیر میکنم و استدعا میکنم جناب آقای دکتر نفیسی هم از ایشان تقدیر کنند

**رئیس** - آقای ارباب وقت شما تمام شد  
**مهلی ارباب** - وقت بنده صرف تنفس

شد ،  
**کشاورز صدر** - پس است آقا مگر نمیخواهید مجلس تشکیل شود  
**رئیس** - چهار دقیقه دیگر از وقت باقی است بفرمائید آقایان هم بیرون تشریف نبرند یک موضوعی است

که باید با اطلاع آقایان برسد .

**مهلی ارباب** - در بیور که خالصه دولت شناخته شده چهل و چهار بار چه آبادی است که یک پزشک یاد در آنجا وجود ندارد یک حمام ندارد هفتاد درصد این مردم مبتلا بتراخم میباشند و چهل درصد آن ها در حال کوری هستند بنده استدعا میکنم از جناب آقای وزیر دارائی که یک توجهی بحال آنها بفرمایند و یک بودجه صرف نظافت و بهداشت آنها بفرمایند (صغری - سیصد هزار نفر مردم مبتلا بتراخم و مالاریا هستند) فرهنگ بلوچستان تاحدی بدنیت آثار خوبی تا بحال از خود باقی گذاشته آن هم اگر ساختمان هایش را تکمیل بکنند بنده از جناب آقای وزیر فرهنگ بیش از پیش تشکر میکنم مطالب زیادی دارم ولی خلاصه میکنم انشاء الله تفصیل را آقایان در نظر بگیرند اما وضع مأمورین دارائی، جناب آقای وزیر دارائی در خاش روی منافع شخصی به ثبت خیلی اشخاص اعتراض کرده اند و به بعضی هم اصلاً اعتراضی نکرده اند این اعتراضات باید بیاید در دادگاه دارائی در مرکز تکلیف این مردم را که مثل سنگ انداختن یک دیوانه بجهت است در این جا روشن بشود این را تمنی میکنم دستور بفرمایند که اگر مجوزی دارد که هر جا ملک زمین هست بگویند خالصه است آن امری است علیحده ولی مجوزی ندارد دستور بفرمایند که بی جهت مزاحم مردم نشوند و بیش از این مانع عکار مردم نشوند .

**رئیس** - آقای ارباب دیگر وقت شما تمام شد  
**مهلی ارباب** - بنده یک مطلب دیگر عرض میکنم .

**رئیس** - خیر وقت شما تمام شده است

**مهلی ارباب** - موضوعی که باید عرض کنم وضع پست و تلگراف است تلگراف چپهای بدبخت در ردیف کوسفند و مرغ هستند هم در هوا و هم در عروسی سرشان را میزنند این بدبختها شب تا صبح باید چکش بزنند در نقاط دور از مرکز کوچکترین توجهی بآنها نمیشود و دفاتر پست و تلگراف بلوچستان بودجه ای ندارد باقی عراضم را انشاء الله یک روز قبل از دستور عرض خواهم کرد .

(۶) - تعیین موقع و دستور جلسه

**بعد ختم جلسه**

**رئیس** - خاطر آقایان را میخواهم مسبوق کنم که یک نامه ای از آقای نخست وزیر رسیده راجع بحکومت نظامی در خوزستان مطابق قانون حکومت نظامی باید یک جلسه فوق العاده ای تشکیل شود که آیا مجلس اجازه خواهد داد یا خیر چون تقاضای اجازه شده بنابراین اگر آقایان موافقت شنبه عصر جلسه فوق العاده باشد (بعضی از نمایندگان یکشنبه باشد)

**مجلس** - قبل از دستور باین موضوع رسیدگی شود .

**رئیس** - در قانون نوشته است جلسه فوق العاده باید تشکیل بشود بنابراین بایستی یا شنبه باشد یا یکشنبه (نمایندگان - روز شنبه باشد) پس شنبه عصر ساعت پنج بعد ظهر جلسه فوق العاده خواهد بود جلسه عادی هم بروز یکشنبه صبح موکول میشود دستور بر نامه دولت است

(مجلس ساعت پنج بعد ظهر تعطیل شد)

**رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت**